--------------------------- الغلاف 1 ---------------------------

سوء استفاده از

ايمان به امام مهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف

گفتگو با آيت الله علي كوراني عاملي

( نويسنده كتاب عصر ظهور )

به كوشش : مريم حقى

--------------------------- 1 ---------------------------

بسم الله الرحمن الرحيم

--------------------------- 2 ---------------------------

.

--------------------------- 3 ---------------------------

سوء استفاده از

ايمان به امام مهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف

گفتگو با آيت الله علي كوراني عاملي

( نويسنده كتاب عصر ظهور )

به كوشش : مريم حقى

--------------------------- 4 ---------------------------

سرشناسه : كورانى ، على ، 1944 - م . / عنوان و نام پديدآور : سوء استفاده از ايمان به امام مهدى ( عج ) / به كوشش مريم حقى . / مشخصات نشر : قم : نور على نور . 1394 . / مشخصات ظاهرى : 96 ص . / شابك : 4 - 28 - 8016 - 964 - 978 / وضعيت فهرست نويسى : فيپا / موضوع : كورانى ، على ، 1944 - م . - مصاحبه ها / موضوع : مهدويت - پرسش ها و پاسخ ها / شناسه افزوده : حقى ، مريم ، 1359 - / رده بندى كنگره : 1394 5 آ 9 ك / 4 / 224 BP / رده بندى ديويى : 462 / 297 / شماره كتابشناسى ملى : 4153453

شناسنامه

عنوان كتاب : سوء استفاده از ايمان به امام مهدى عج

گردآورنده : مريم حقى

صفحه آرايى : صادق انصارى

ناشر : نور على نور

چاپ و صحافى : باقرى - قم

تيراژ : 3000 نسخه

شابك : 9789648016284

قيمت : 3000 تومان

تمامى حقوق براى مؤلف محفوظ مى باشد .

www . alameli . net

Email : info @ alameli . net

مركز فروش : قم - خيابان مصلاى قدس - بين ك 4 و 6 - پلاك 682 / نشر معروف

تلفكس : 32926175 025 - تلفن : 41 - 32939140 025

www . maroof . org

--------------------------- 5 ---------------------------

درباره مصاحبه

علي كوراني عاملي ، متولد 1944 م ، در لبنان است . او در نوجواني و جواني سال‌ها در حوزه نجف درس خواند و در عراق و لبنان به فعاليت‌هاي ديني و سياسي پرداخت . سپس در ايران ، فعاليت‌هاي علمي و پژوهشي خود را آغاز كرد . از وي تا كنون ده‌ها اثر با موضوع تشيع ، وهابيت و تاريخ اسلام منتشر شده است .

او در 1369 ه‍ ش ، نخستين مركز توليد نرم‌افزارهاي اسلامي جهان را در ايران بنيان گذاشت . اكنون علاوه بر اداره آن مركز و ادامه پژوهش‌ها ، در چند شبكه ماهواره‌اي عربي و فارسي زبان برنامه دارد . اما علي كوراني عاملي ، در ايران بيش از هر چيز ، با كتاب « عصر ظهور » شناخته مي‌شود كه چاپ اول ترجمه فارسي آن زمان جنگ تحميلي منتشر شد و پس از آن ، بيش از هفتاد بار تجديد چاپ گرديد .

تعبير « عصر ظهور » كه براي توصيف دوران قيام حضرت مهدي عليه السلام و رخدادهاي پيش از آن به كار مي‌رود ، با تأليف اين كتاب رواج يافت . نويسنده در مقدمه اين كتاب ، منظور خود را از اين عبارت ، ظهورِ دين توسط حضرت مهدي عليه السلام و دولت او بيان مي‌كند . وي در كتاب عصر ظهور ، با گردآوري و تحليل احاديث شيعه و سني درباره نشانه‌هاي ظهور مهدي عليه السلام و برپايي حكومت عدل الهي در آن ، به بازخوانيِ اين احاديث پرداخته و با زبان معاصر ، تصويري كلّي را از دوران پيش از ظهور حضرت مهدي عليه السلام ارائه مي‌دهد . از مهم‌ترين مباحث اين

--------------------------- 6 ---------------------------

كتاب ، بيان وضعيت ايرانيان ، عرب ، يهود ، تركان و روميان ( مطابق با غربيان ) ، در دوران ظهور است ، به گونه اي كه در كنار تحليلي از وضعيت جهان معاصر ، موجب مي‌شود تا خواننده دوران ظهور را نزديك به خود حس كند .

نخستين بار در اين كتاب بود كه انقلاب اسلامي ايران ، يكي از تغييرات زمينه‌ساز ظهور حضرت مهدي عليه السلام تلقّي گرديد . برخي از صاحب نظران ، كتاب عصر ظهور را كتابي مهم در زمينه نظريه پردازي و اصالت بخشي به انقلاب اسلامي ايران دانسته و معتقدند كه جنبه اعتقادي و ديني انقلاب در اين كتاب به شكلي نو و آينده‌نگر بيان شده است . اما به نظر برخي ، اين كتاب ، تأثيري منفي در فرهنگ ديني ايران گذاشته ، زيرا انقلاب اسلامي ايران را به اموري غيبي مرتبط كرده و راه را براي ادعاهاي مهدويت باز نموده است .

در اين مصاحبه ، نظر ايشان را در اين زمينه‌ها جويا شده و درباره بسياري از مفاهيم مهدويِ مطرح شده در سال‌هاي اخير ، با ايشان گفتگو نمودم . هدف اين بود كه رايج‌ترين مسائل مهدوي مطرح شود ، از زبان و زاويه ديدهاي گوناگون پرسيده شود ، و صريح‌ترين پاسخ‌ها از ايشان دريافت شود . جا دارد در اين جا از شكيبايي ايشان و وقتي كه براي مصاحبه و ويرايش آن صرف كردند ، قدرداني كنم .

اين مصاحبه ، در بهمن 1391 در قم ، به زبان فارسي و گاه عربي ، در بيش از پنج جلسه انجام شد و در اسفند ماه ، در سايت خبرآنلاين منتشر گرديد . سپس در دي ماه 1392 چند پرسش و پاسخ ديگر به آن افزوده شدكه عبارتند از : زمينه‌سازي ظهور ، آخرالزمان و چند توصيه پاياني .

مريم حقي ( كوراني )

ارديبهشت 1393

--------------------------- 7 ---------------------------

مقدمه

اين موضوع ، مختص به مهدويت نيست

[ در ابتدا قرار بود عنوان مصاحبه « آسيب‌شناسي مباحث مهدويت » باشد . اما به درخواست ايشان عنوان را تغيير داديم . ]

عنوان مصاحبه ، آسيب‌شناسي مباحث مهدويت است . اگر درباره عنوان مطلبي داريد بفرماييد .

چرا آسيب‌شناسي مهدويت ؟ اين عنوان ، علمي و موضوعي [ = آبجكتيو ] نيست ، بي‌طرفانه و عادلانه نيست . به نظر مي‌رسد عنوان « آسيب‌شناسي » ، گرايشي انتقادي به اعتقاد به مهدويت دارد . مانند آن است كه از « زيان‌هاي احتمالي ايمان » سخن بگوييد ، اما « زيان‌هاي احتمالي كفر » را ناديده بگيريد .

اگر دو نفر باشند كه يكي به مهدويت اعتقاد نداشته و ديگري اعتقاد داشته باشد ، عنوان « آسيب‌شناسي اعتقاد به مهدويت » را بشنوند ، آن كه اعتقاد ندارد خوشحال مي‌شود . وقتي او خوشحال مي‌شود يعني طرفدار او هستيم . خدا و پيغمبر گفته‌اند قرار است امامي بيايد ، جهان را اصلاح كند و دولت عدل

--------------------------- 8 ---------------------------

برپا كند . اين اعتقاد عموم مسلمانان است . پس عدم اعتقاد به مهدويت آسيب‌شناسي دارد . چرا اين را نمي‌گوييد ؟

به هر حال ، در آغاز بايد توضيح بدهيم كه مقصود از اين عنوان چيست . آيا مقصود ما انتقاد از مهدويت است ؟ انتقاد از اعتقاد به مهدي عليه السلام ؟ خير .

مي خواهيم سوء استفاده‌ها را بررسي كنيم .

سوءاستفاده ، مسئله‌اي ديگر است . آيا شمابه هرسوء استفاده‌اي مي‌گوييد آسيب ؟ من نمي‌دانم بارِ معناييِ كلمه « آسيب » در فارسى چيست و به موضعِ بي‌طرفانه ، زيان مي‌رساند يا نه . بنابراين مي‌گويم سوءاستفاده و نمي‌گويم آسيب . « انواع سوءاستفاده از اعتقاد به امام مهدي عليه السلام » .

سوءاستفاده تنها به معني بهره‌گيري غرضمند از چيزي است . اما بدفهمي‌ها نيز مدنظر ما هست .

بله ، دو حالت داريم : يكي حالتِ خلل انديشه در اين موضوع ، و ديگري حالت سوءاستفاده دنيوى و سياسي .

\* \* \*

معني مهدويت

مهدويت ، باور تمام مسلمانان است

و اما پرسش نخست : با توجه به اين كه شما در ميان معاصران ، فردي شناخته شده در مباحث مهدويت هستيد ، ابتدا مي‌خواهيم تعريفي جامع و كامل از مهدويت و انتظار بر اساس مباني محكم اعتقادي شيعه بفرماييد تا وارد مباحث

--------------------------- 9 ---------------------------

اصلي شويم .

معني مهدويت اين است : اعتقاد تمام مسلمانان - و نه فقط شيعيان - اين است كه پيامبر صلي الله عليه وآله به مسلمانان خبر داده ، مژده داده كه خداوند - تبارك و تعالي - نقشه و برنامه دارد كه دين اسلام ، سراسر زمين را شامل شود .

اين نقشه به دست يكي از فرزندان پيامبرمحقق مي‌شود كه خدا او را مي‌فرستد و نامش مهدي است و دولت عدل الهي در تمام جهان بر پا مي‌كند . اين مطلبي است كه در آيه‌اي محكم [ آيات محكم در مقابلِ آيات متشابه ] در قرآن آمده است . خدا مي‌فرمايد : اوست كه پيامبرش را با هدايت و دين حق فرستاده است تا آن [ دين ] را بر تمام اديان ظاهر كند « هُوَ الذّي أرسَلَ رَسولَهُ بِالهُدَى ودين الحَق لِيُظهِرَهُ عَلَى الدين كُلّه » .

خداوند - تبارك وتعالي - حضرت عيسي مسيح را نيز نگه داشته تا هنگام آمدن مهدي او را همراهي كند . وجود حضرت عيسي ، براي طرفداران او لازم است و در نقشه جهان تأثيري اساسي دارد . بدون او نمي‌توان وحدت ايجاد كرد و دولت جهاني عدل الهي برقرار نمود .

نظر شيعيان درباره مهدويت

اين اعتقاد تمام مسلمانان بود . علاوه بر اين ، اعتقاد ما [ شيعيان ] اين است كه پيامبر فرمود « ائمه دوازده تن هستند و امام دوازدهم ، امام مهدي عليه السلام است » . او اكنون در غيبت است و ما ، هم به امامت او اعتقاد داريم ، هم به غيبتش . و هر زمان آمد ، تكليف ماست كه ياريش كنيم .

\* \* \*

--------------------------- 10 ---------------------------

انتظار و منتظران

بُعد اول انتظار : مدارا يا تشكيل حكومت ؟

تعريف انتظار چيست ؟

انتظار دو بُعد دارد : [ بُعد اول : ] گاهي انتظار يعني صبر كن و دست نگه دار . يعني منتظر بمانيد ، دولت تشكيل ندهيد تا امام مهدي بيايد ، زيرا شما نمي‌توانيد دولتي عادل تشكيل دهيد . پس هيچ دولتي تشكيل ندهيد و مسئوليت آن را به عهده نگيريد . بعضي از فقهاي ما قائل به اين رأي هستند و تشكيل دولت را قبل از ظهور امام زمان قبول نمي‌كنند .

قبول نمي‌كنند يعني واجب نمي‌دانند يا اين كه حرام مي‌دانند ؟

مي‌گويند تكليف ما نيست . بعضي‌هايشان حرام مي‌دانند ، بعضي‌هايشان مي‌گويند جائز است ولي وظيفه نيست .

تشكيل حكومت يا هرگونه فعاليت سياسي ؟

خير . فقط تشكيل حكومت . فعاليت سياسي به نظر اينها گاهى لازم است .

اما بعضي‌ها هم تشكيل حكومت را جايز مي‌دانند . بعضي از باب حِسبه ، يعني احياناً براي نظم جامعه جايز مي‌دانند ، مانند آيت الله عظمى خويي ؛ و بعضي هم از باب ولايت فقيه ، نه تنها جايز ، بلكه وظيفه و واجب مي‌دانند ، مانند امام خميني .

پس نظر اينها درباره انتظار با هم فرق دارد . از نظر امام خميني يعني انتظار داشته باشيد ولي در عين حال فعاليت كنيد و در خط امام مهدي عليه السلام دولت

--------------------------- 11 ---------------------------

تشكيل بدهيد ، اما بعضي مي‌گويند نه وظيفه ما اين نيست . پس انتظار دو معني دارد : انتظار با انقلاب و تشكيل حكومت ، و انتظار بدون تشكيل حكومت كه مي‌گويد نه ، ما نمي‌توانيم دولت عدل تشكيل دهيم ، پس با حكومت‌هايي كه هست مي‌سازيم تا امام زمان بيايد . البته همزمان مي‌كوشيم تا به حكومت جهت دهيم و راهنمايي‌اش كنيم تا از ظلمش بكاهيم .

مي‌گويند بايد بسازيم يعني مماشات كنيم ؟

بله . مماشات ، مدارا و همزيستي . ولي در عين حال ، مي‌گويند كه دفاع از ميهن واجب است ، امر به معروف و نهي از منكر هم واجب است . يعني اصلاح .

اما امر به معروف و نهي از منكر را به معني تشكيل حكومت نمي‌دانند ؟

نه . به معني اصلاح‌طلبي مي‌دانند ، اصلاحات اجتماعي و مطالبات اصلاحي . يعني وقتي دولتي روي كار است ، ما دولت را نمي‌خواهيم بگيريم ، ولي مطالباتي از دولت داريم . يعني حركت اصلاحي . مي‌گويند فقها بايد حركت اصلاحي بكنند ، نه حركت انقلابي كه دولت را بگيرند .

بُعد دوم انتظار : اميد به نزديكي ظهور

پس حداقل تعريف مشترك از انتظار نزد شيعيان چيست ؟ تعريفي كه مورد اتفاق تمام فقهاي شيعه باشد .

ببينيد ، اين يك بُعد از انتظار بود . اين كه حكومت تشكيل بدهيم يا ندهيم . بُعد ديگر [ كه مورد اتفاق همه شيعيان است ] ، انتظار به معني اميد و توقّع است . يعني يقيني عميق به اين كه آينده ، از آنِ دولت عدل الهي است . يعني به جاي يأس و نااُميدي ، اميد داشته باشيد ، شايد هر لحظه خدا اين كار را شروع كرده و

--------------------------- 12 ---------------------------

ظهور امام را آغاز كند .

مي‌شود توضيح دهيد كه منظور از اين بُعد چيست ؟ آيا فعاليت خاصي را نمي‌طلبد ؟

بعضي‌ها وقتي مي‌بينند چه قدر فساد و ظلم هست ، چه قدر مردم ، بي‌دين شده‌اند ، مأيوس مي‌شوند . [ اين باور ] مي‌گويد مأيوس نشويد . كار جهان به دست خداست . خدا اين اجازه را داده ، اما در نهايت ، نقشه و برنامه ديگري دارد .

پس يعني اعتقاد به اين كه سيرِ تاريخ بشر ، هدفي داشته و پايان خوشي دارد .

احسنت . يعني « الخط البياني » ، يعني سير تاريخي امت اسلامي ، حتماً بايد به اوج خود ، يعني شمول اسلام بر كل جهان برسد . « لِيُظهِرَهُ عَلَي الدّينِ كلِّه » هدف است و حتمي و قطعي است . كي اتفاق مي‌افتد ؟ نمي‌دانيم . ولي توقع داريم شايد امسال باشد ، شايد سال آينده ، شايد هم هزار سال ديگر .

غيبت امام عليه السلام ، به خودي خود ، وظيفه ويژه‌اي را ايجاب نمي‌كند

خب اين بُعد انتظار ، تكاليف خاصي را ايجاب نمي‌كند ؟

هرگز . هيچ يك از فقهاي ما نگفته كه ما براي انتظار ، تكاليف خاصي داريم .

پس اين همه كه مي‌گويند و مي‌نويسند و كتاب و جزوه منتشر مي‌كنند كه وظايف منتظران چيست ، چه مي‌شود ؟

خب چه كسي فتوا داده [ كه چنين كاري بايد كرد ] ؟ هيچ كس ! سخنِ اين نظريه‌پردازان درباره « واجبات انتظار » ، سخني غير فقهي است . يا اخلاقي است ، يا انشائي ، يا خيالي . و منشأ آن از اين جاست كه نويسنده يا گوينده ، مفهومي

--------------------------- 13 ---------------------------

بيش از ظرفيتِ متن [ آيه و حديث ] را بر متن تحميل مي‌كند . معمولاً سخنشان منبعي ندارد و از خودشان است .

يعني كاري فقهي و فقاهتي نيست .

نه . هرگز . ما چيزي به عنوان تكاليفِ « زمان غيبت » ، « به علّتِ غيبت » يا « در انتظار » نداريم . تكليف واجب براي مكلّف ، همان تكاليفِ عمومي زمان حضور امامان است و نه چيزي بيشتر . فقط همان است . تكليف ما در زمان غيبت و زمان حضور معصوم فرقي نمي‌كند . متون رسيده از اهل بيت تأكيد دارد كه تنها كارِ ويژه زمان غيبت امام اين است : ايمان و انتظار فرج او . فقط ما راتشويق كرده‌اند كه براي او دعا كنيم و با او ارتباط روحي داشته و به او توسل كنيم .

پس وظيفه فرد منتظر كه بعضي دائم روي آن تأكيد مي‌كنند . . . ؟

وظيفه‌اي كه مربوط بشود به جامعه ، نداريم . هيچ وظيفه‌اي براي انتظار [ و مخصوص آن ] نداريم .

پس وظيفه منتظر فقط انجام واجبات و ترك محرّمات و دعا شد .

يعني همين تكاليف شرعيِ ثابت شده . يعني حلال و حرام و واجب و مستحب و مكروه . هر كس كه به اينها عمل كند ، واجبات را انجام دهد و گناهان را ترك كند ، يعني منتظر است و مورد قبول .

پس فرق كسي كه به امام زمان اعتقاد دارد و كسي كه ندارد در چيست ؟

خب اين منتظر است و توقع دارد [ امام ظهور كند ] ، ولي آن ، توقع ندارد .

يعني تفاوتشان تنها در يك حالت روحي است ؟

--------------------------- 14 ---------------------------

تفاوت آنها در باورها و عواطف است . و اين كم چيزي نيست . اين يك تفاوت اساسي است . اين [ = منتظر ] اعتقاد دارد كه خطّ سيرِ جهان به طرف تكامل و به طرف دولت عدل الهي است .

آخر مي‌گويند اگر كسي اعتقادي داشته باشد بايد عملي را متناسب با اعتقادش انجام دهد .

خير . اين يك قاعده كلي نيست . مثلا ما به آسمان‌هاي هفتگانه معتقديم ، حال ، تكليف متناسب با آن چيست ؟ ! اعتقاد به امام مهدي عليه السلام ، تكاليف ويژه‌اي را كه موازي با آن باشد ، ايجاب نمي‌كند . حداكثر مي‌توان گفت ايمان به او ، دعا براي او ، و احساس آمادگي براي كمك به او در صورت ظهورش ، موازي با اعتقاد به اوست .

يعني بخشي از دين‌داري شيعه است و چيزي مستقل نيست كه فعاليت مستقلي را بطلبد .

همين طور است .

پس نظرِ قائلان به تشكيل حكومت چه مي‌شود ؟ آن را وظيفه منتظران در زمان غيبت نمي‌دانند ؟

اين هم مختص به زمان غيبت نيست . غيبت وظيفه خاصي را ايجاب نمي‌كند . حتي ولايت فقيه هم ، از نظر قائلان به آن ، هم در حضور و هم در غيبت معصوم مطرح است . در مورد نيابت فقيه از معصوم به حديث « جَعَلتُهُ عَلَيكم حاكماً » از امام صادق عليه السلام استناد مي‌كنند كه به زمان حضور امام برمي‌گردد .

\* \* \*

--------------------------- 15 ---------------------------

مروري بر پيشينه سوء استفاده از مهدويت : از معاويه تا طالبان

از پيامبران دروغين ، تا مهديان دروغين

و اما پرسش دوم : مي‌دانيم كه بحث ظهور منجي موعود ، تنها به مذهب تشيع و دين اسلام اختصاص ندارد . در اديان ديگر نيز به شيوه‌هاي مختلفي اين آموزه وجود دارد . به اندازه طول عمر اين آموزه ، آسيب نيز پيرامون آن وجود داشته است . مي‌توانيد يك سير تاريخي از سوءاستفاده‌هاي انجام شده از اين آموزه را پس از اسلام بفرماييد ؟

از اعتقاد به امام مهدي ، سوءاستفاده بسياري شده ، ولي اين مختص به اعتقاد به امام مهدي نيست . مثلاً از نبوت هم بسيار سوءاستفاده شده است . پس از اين كه پيامبر مبعوث شد ، ببينيد چقدر متنبّي [ مدّعي نبوّت ] پديد آمد . حتي در زمان حيات پيامبر صلي الله عليه وآله هنگامي كه قبيله‌هاي مختلف ديدند كه پيامبر به چه موفقيت‌هايي رسيده است ، شروع كردند به ادّعاي نبوت . اسود عنسي در يمن ، مُسَيلمه در نجد ورياض ، و طُلَيحة اسدي در حايل . تنها شصت روز از وفات پيامبر صلي الله عليه وآله گذشته بود كه طليحه با سپاهي چهل هزار نفره آمد و گفت : نبوّت ،

--------------------------- 16 ---------------------------

نصفش مال قريش ، نصفش هم مال ما ! تا آن كه اميرالمؤمنين با آنان مقابله كرد . شرحش را در كتاب « قراءة جديدة لحروب الردّه » نوشته‌ام . ( 1 )

خب به اين چه مي‌گوييد ؟ آسيب نبوّت ؟ آسيب شناختِ خدا چطور ؟ از همان اول كه حضرت آدم به زمين آمد ، قابيل منكرشد . بله ، درست است ، درجايش هم مي‌گويم ؛ مسئله امام مهدي عليه السلام يكي از مسائلي است كه بيشترين دروغ درباره‌اش گفته شده . خودش موضوعي است كه قابليت اسطوره شدن را دارد . قابل جعل است . ولي بي‌انصافي است كه فقط يك سوي موضوع را بگيريم .

يعني زمينه جعل و دروغ و شبهه درست كردن را دارد ؟

احسنت . جاذبيت خاصي براي دروغگويان دارد . موضوعش قابليت جعل دارد .

و چون به پيش گويي آينده مربوط مي‌شود ، حساب و كتابي هم ندارد .

احسنت . منكشف نمي‌شود . از اين رو ، زياد است . فقط اين نيست كه آسيب دارد ، ولي اين بيش از بقيه پيداست . و اكنون سخن ما از امام مهدي عليه السلام است .

\* \* \*

نخستين مهديان دروغين

نخستين مهدي دروغين ، معاويه بود

سؤال از سير تاريخي سوءاستفاده‌هايي است كه شده .

اولين سوءاستفاده اي كه شد ، توسط معاويه بود . ( 2 ) معاويه از ابن عباس پرسيد : « آيا شما اعتقاد داريد كه از يك نفر از ميان شما مي‌آيد و حاكم مي‌شود و كل جهان

< هامش >

( 1 ) متن اين كتاب و ساير كتاب هاى ايشان را از اين نشانى مى توان دريافت كرد : / http : / / www . alameli . net / books

( 2 ) ر . ك : على كورانى عاملى ، فرهنگ موضوعى احاديث امام مهدى عج ، ترجمه : حسين نائينى ، قم ، نشر معروف ، ص 258 تا 253

< / هامش >

--------------------------- 17 ---------------------------

را مي‌گيرد ؟ » ابن عباس گفت « بله » . معلوم است كه معروف بوده كه امام مهدي از بني هاشم است . وقتي كه بني هاشم درگير شدند - اول ، اميرالمومنين با خلفا بعد با عايشه و اهل جمل و صفين و خوارج - مشهور شد كه بني هاشم مي‌گويند پيامبر به ما گفته كه حكومت جهان در دست شما خواهد بود . از اين روست كه مي‌بينيم وقتي كه مثلا از قول ابن مسيّب - يكي از علماي بزرگ كه از ابن عباس روايت مي‌كند - مي‌پرسند كه آيا مهدي حق است ؟ مي‌گويد بله . ولي وقتي مي‌پرسند او كيست ؟ مي‌گويد از قريش است . كدام تيره قريش ؟ نمي‌گويد . مي‌گويد همين كه از قريش است كافي است ، نمي‌گويد از بني هاشم است . يا مثلا راويان حكومتي ، از قول پيامبر صلي الله عليه وآله مي‌گويند « مهدي از امّت من است » . آسيبش اين سانسور است كه نمي‌گويند از ذريه فاطمه و علي عليه السلام است .

بعد ببينيد معاويه چه مي‌كند . مي‌گويند پيغمبر براي معاويه دعا كرده كه « خدايا اين معاويه را مهدي قرار بده . « اللهمَّ اجعَله‌هادياً مهدياً . » رجوع كنيد به كتاب « جواهر التاريخ » جلد دوم . اولين ادعاي مهدويت براي معاويه است .

يعني اولين كسي كه ادعاي مهدويت كرد ، اولين مهدي دروغين ، معاويه بود ؟

بله . معاويه خودش دنبال اين ادعا بود . پس از او هم عايشه براي موسي بن طلحه ادعاي مهدويت كرد . ( 1 ) طلحة بن عبيدالله تيمي ، از قبيله تيم ، قبيله ابوبكر بود . عايشه خواست ابوبكر براي پسرش عبدالرحمن براي خلافت وصيت كند ، نگذاشتند . بعد خلافت را براي طلحه خواست . زمان عثمان براي طلحه خيلي فعاليت كردند . وقتي كه عايشه در حج بود ، شنيد عثمان كشته شده ، خوشحال شد و گفت آيا با طلحه بيعت كردند ؟ - آخر طلحه ثروتمند بود و خرج هم مي‌كرد - . گفتند : نه ، با علي بيعت شد . تعجب كرد و حالش عوض شد .

< هامش >

( 1 ) همان ، ص 264 .

< / هامش >

--------------------------- 18 ---------------------------

خب طلحه خليفه نشد و در بصره در جنگ جمل كشته شد . گفتند كه موسي ابن طلحه ، فرزند او ، مهدي است ، و آن مهدي كه پيغمبر مي‌گفت همين موسي بن طلحه است . كه از تيم بود و قريشي هم بود . ( وكانوا يرونه في زمانهم المهدي فغشيه الناس . رك : تاريخ دمشق : 60 / 431 و سير اعلام النبلاء از ذهبي : 4 / 365 ) .

از اين بيشتر ؛ براي عبد الله بن زبير ، خواهر زاده عايشه هم ادعاي مهدويت كردند . چرا ؟ چون در مكه پناه گرفته بود و ارتش سفياني هم به جنگ او آمده بودند . يعني ارتش امويِ آل ابوسفيان . از امّ سلمه [ همسر پيامبر ] پرسيدند : آيا اين همان ارتشي است كه پيغمبر مي‌گفت ؟ گفت نه ، پيامبر گفته بود يكي از فرزندان او به مكه پناه مي‌برد . وانگهي ، آن ارتش در فلان جا كه پيامبر ايستاد و نشان داد ، در زمين فرو خواهد رفت . پس اين آن ارتش نيست .

منصور عباسي اعلام كرد پسرش مهدي موعود است

پس اين شايعه‌ها از آن زمان بوده است ومعاويه و موسي بن طلحه و عبدالله بن زبير ، نخستين مهديان دروغين‌اند . پس از آنها هم ادعاي مهدويت بود ؟

پس از آنها ، حسنيان و عباسيان بودند . ( 1 ) پيامبر صلي الله عليه وآله فرموده « المهدي من وُلدي » مهدي از فرزندان من است . سادات حسني مي‌گفتند يكي از فرزندان امام حسن عليه السلام است كه همين عبدالله المهدي است و نامش محمد است . پدر او ، نام فرزندش را محمد گذاشت و از كودكي او را مخفي كرده بود . آنها تلاش كردند تا از برخي از علما و تابعين گواهي بگيرند كه مهدي موعود ، همين عبدالله بن حسن المثني است .

سپس منصور دوانيقي بر آنان پيروز شد و آنان را كشت . در بغداد جشني گرفت

< هامش >

( 1 ) . همان ، ص 265 تا 274 .

< / هامش >

--------------------------- 19 ---------------------------

و شاهداني را آورد كه گواهي دادند مهدي موعود پسر اوست و نام او را مهدي گذاشت ! منصور حديث « اسمُهُ اسمي و اسمُ ابيهِ اسمُ ابي » ( او و پدرش همنام من و پدرم هستند ) را قبول داشت و گفت عبدالله خود من هستم - آخر ، اسمش عبدالله منصور بود - ، اسم فرزندش را هم محمد گذاشت و گفت : فرزندمن ، همان مهدي است . شد « المهدي محمد بن عبدالله » . برايش مراسمي بر پا كرد و فقها و روات را آورد و شهادت دادند كه بله بر او منطبق است . در بغداد و بعد از شكست دادن مهدي حسنيان . عباسيان ديدند حديثي قطعي و متواتر از پيامبر هست كه مي‌گويد ياران امام مهدي اهل خراسان و اهل پرچم‌هاي سياه هستند . گفتند شما هم پرچم‌هاي سياه بلند كنيد تا اين حديث بر شما منطبق باشد . يعني احاديث مهدي را به نفع عباسي‌ها مصادره كردند .

ولي مهدي عباسي ، پسر عبدالله منصور ، اصلا به اين چيزها اعتقاد نداشت . حرف‌هاي بدي درباره پدرش زد . برادرش هم او را مسخره مي‌كرد و مي‌گفت اين برادرم « المهدي » است ؟ ! خود المهدي عباسي ، دائم به دنبال شراب و شكار بود . او بيشتر وقتش را بغداد نبود . بچه ايذه بود ، در جنوب ايران . ولي به همدان علاقه داشت و براي شكار به آن منطقه مي‌رفت . گاه شكارش يك ماه طول مي‌كشيد . سرانجام هم سوار بر اسب به دنبال آهو بود كه وارد خرابه اي شد ، اما در خرابه كوتاه بود ، سرش به درگاه خورد و از اسب افتاد و مرد . اين هم از عاقبت اين مهدي دروغين ! ( 1 )

انواع ادعا همي‌شه بوده است . از فاطميان در مغرب [ = مراكش ] ، تا كارگران سياه زنگي در بصره و ده‌ها و صدها مدّعي در سرزمين‌هاي گوناگون . در عصر حاضر حتي وهابيان مي‌گويند المهدي از ما و از منطقه نجد است و ياران او كه صاحبان پرچم سياهند ، همين طالبان افغانستان‌اند . تا اين حد .

< هامش >

( 1 ) . همان ص 276 تا 278 .

< / هامش >

--------------------------- 20 ---------------------------

ادعاي مهدويت و سفارت امام عليه السلام براي جاه‌طلبان جذاب است

ادعاي داشتن فضايل معنوي ، راهي براي كسب مشروعيت بوده و هست

سخن از پيشينه سوءاستفاده از مهدويت بود .

سوءاستفاده از مهدويت ، امري طبيعي است . زيرا مژده انساني كه خواهد آمد و بر جهان حكومت خواهد كرد ، هم پتانسيل اسطوره شدن را دارد ، هم پتانسيلي براي جاه‌طلبانِ طمعكار است . پس سرشتِ اين موضوع ، جذاب و فريبنده است . هر كسي ممكن است ادعا كند من آن مهديم كه بر جهان حكومت مي‌كند . حتي تيمور لنگ ، حتي معاويه ، مي‌گفت من مهدي‌ام .

پس مادام كه پيامبر مژده داده است كه جهان به دست انساني اصلاح خواهد شد ، اين مسئله اغواگر است . ولي اين نقصي براي اين موضوع نيست . اين اغواگري ، تنها به مهدويت هم اختصاص ندارد . نبوت هم اغواگر است و باب ادعاهاي پيامبري بسياري را گشوده است . طبيعت ايمان به غيب نيز چنين است . اين كه در انسان ، معنايي غيبي ( ناپيدا ) باشد ، به خودي خود اغواگر است . خود مسئله خلافت پيامبر با سوءاستفاده از ايمان و با چنين ادعايي آغاز شد . ادعا كردند كه به ابوبكر و عمر الهام مي‌شود و اين دو نفر ، از بُعدي غيبي برخوردارند . فضايل عمر و ابوبكر را بخوانيد . ( 1 ) آورده‌اند كه فرشته اي هست كه بر زبان ابوبكر سخن مي‌گويد . اصولاً خود دين ، به خودي خود آسيب دارد . عبادت ، آسيب دارد . و نه تنها دين ، مثلاً موفقيت هم آسيب دارد . مثلاً وقتي كسي مي‌شنود كه ذوالقرنين جهان را گرفته بود ، به اين فكر مي‌افتد كه او هم دنيا را بگيرد .

< هامش >

( 1 ) . براى نمونه ، ر . ك : علي الكوراني العاملي ، ألف سؤال و اشكال على المخالفين لأهل البيت الطاهرين ، قم ، دار السيرة ، 2009 ، ج 3 ، ص 185 تا 198 .

< / هامش >

--------------------------- 21 ---------------------------

اما ويژگي مهدويت در اين است كه به آينده مربوط مي‌شود . البته ديوار بزرگي هست كه باعث مي‌شود ، هر مدعي دروغيني شكست بخورد . دروغ او با عملش مشخص مي‌شود . كسي نمي‌تواند ادعايش را پيش ببرد ، زيرا نمي‌تواند دنيا را پر از عدل و داد كند . زود رسوا مي‌شود . زيرا نمي‌تواند عدالت را در سراسر جهان برقرار كند .

از مهديان دروغين ، تا سفياني‌هاي دروغين !

هنگامي كه پيامبر صلي الله عليه وآله فرمود در مقابل مهدي ، سفياني مي‌آيد ، و سفياني از بني اميه و از نسل ابوسفيان است ، برخي از امويان آمدند و گفتند « پيامبر « بشارت » داده كه سفياني مي‌آيد ! » هر چندكه بر باطل است . « پيامبر گفته از ميان ما پادشاهي برخواهد خاست ، اينك من آن پادشاهم ! » .

انقلاب‌هاي سفياني كم نيستند ، من در منابع تاريخي ، حدود 10 انقلاب و شورش به نام سفياني يافتهام ؛ سفياني‌هايي كه از مردم بيعت گرفته‌اند ، بر شام سيطره يافته و حكومت كرده‌اند . با اين كه سفياني باطل است . وقتي احتجاج مي‌شود و به اينها گفته مي‌شود آخر سفياني كه يك شخصيت منفي است ، مي‌گويند نه ، دو سفياني داريم ، يكي خوب و ديگري بد .

يعني همين كه انديشه سفياني مطرح شد ، از آن سوءاستفاده كردند . چه رسد به مهدي !

بله . همين طور است . ببينيد اكنون كساني كه ادعاي مهدويت كرده و در ايران دستگير شده و در زندانند ، چقدر زيادند . در مصر كه بيست - سي نفر هستند ! اكنون ، در عصر ما ، اگر تحقيق كنيد مي‌بينيد كه در كشورهاي اسلامي ، در اندنزي ، مصر ، سودان ، فلسطين ، يمن ، جاهاي مختلف ، ادعاي مهدويت و

--------------------------- 22 ---------------------------

مانند آن هست .

حالا مي‌گوييد چه كنيم ؟ مردم را به امام مهدي دعوت نكنيم كه شايد آسيب داشته باشد ؟ خب پس به خدا و پيغمبر هم دعوت نكنيم ؟ به اسلام و به آخرت و به غيب هم دعوت نكنيم ؟ اين چه حرفي است . اعتقاد به امام مهدي ، فرقي با ديگر اعتقادات ديني ندارد . در قابليت آسيب مثل بقيه است .

جديدترين مهديان دروغين !

اكنون مي‌توانيد از نمونه‌هاي جديدتر سوءاستفاده بگوييد . مثلا از قرن دهم هجري به بعد ؟

خب مهدي سوداني [ براي نمونه ] كافي است . مهدي سوداني با انگليس جنگيد . فرمانده بزرگ انگليسي را كشت و در ابتدا پيروز شد ، ولي سپس مغلوب انگليسي‌ها گرديد . او به رغم آن كه سلاح‌هاي ساده‌اي داشت و انگليسي‌ها مجهز بودند ، توانست در ابتدا پيروز شود .

در شرق اسلامي چطور ؟

علي محمد باب و عده‌اي ديگرنيز ادعاي مهدي بودن كردند . الآن در فلسطين هم مهدويت داريم . ابن اللحيدان در عربستان در ميان وهابيان ادعاي مهدويت كرده . در اينترنت جستجو كنيد و ببينيد . هر روز ايميل‌هايي براي ما مي‌آيد . در مالزي مهدي آمده ، در يمن مهدي آمده و غيره .

در نامه‌هايشان از شما چه مي‌خواهند ؟ با شما چه كار دارند ؟

مي‌گويند مهدي آمده است . شما شهادت بدهيد كه خودِ اوست . از من تأييد مي‌خواهند .

--------------------------- 23 ---------------------------

پاسخ كوراني عاملي به مدعيان مهدويت

شما چه پاسخي به اين نامه‌ها مي‌دهيد ؟

مي‌گويم اگر راست مي‌گوييد معجزه بياوريد . امام عليه السلام با معجزه شناخته مي‌شود .

كسي كه ادعاي مهدي بودن مي‌كند ، از سه حالت خارج نيست : يا خلل رواني دارد ، يا دنبال كسب قدرت است ، يا واقعاً مهدي موعود است كه بايد از طرف خدا معجزه و كاري خارج از قدرت بشر انجام دهد و ثابت كند .

جهالت مردم و پايين بودن سطح فرهنگ ، سوءاستفاده‌ها را افزايش مي‌دهد

گفته مي‌شود از قرون نخستين كه بگذريم ادعاهاي مهدويت كمتر مي‌شود . چرا اين گونه است ؟

تعداد ادعاها كمتر نمي‌شود . جنبش‌ها كوچكتر شده . تأثيرش و پذيرش مردم كمتر شده است .

هم حالت ارتباط شيعيان با امام زمان مهم است ، هم حالت تنگنا و فشار ، مي‌توانداز عوامل مؤثر باشد . ولي مسأله اصلي جهالت مردم است . مثلا در عراق ، در زمان صدام و بعثيان ، طي سي - چهل سال ، فرهنگ شيعه ممنوع بوده ، انتشار كتاب شيعي ، تبليغ علما ممنوع بوده . در نتيجه ، زمينه‌اي براي ادعا فراهم شده است . [ اكثر مردم ] شيعه‌اند ، ولي هيچ نخوانده‌اند . در شرايط ضعف فرهنگ ديني ، شيطان‌هايي مي‌آيند و مي‌گويند اين كتاب را ببينيد ، فلان كتاب و حديث را مي‌آورند و مردم را فريب مي‌دهند .

يعني وقتي علما و افراد باسوادِ جامعه از تبليغ محروم مي‌شوند ، ادعا زياد مي‌شود ؟

--------------------------- 24 ---------------------------

وقتي سطح فرهنگي و سطح آگاهي ديني مردم پايين باشد ، زمينه مناسبي براي سوءاستفاده فراهم مي‌شود .

[ در ادامه به ذكر عوامل ديگر ، از جمله سوءاستفاده از عواطف مردم ، مقاصد سياسي و گستردگي عرفان كاذب مي‌پردازيم . ]

مخالفان عراق ، براي اسقاط رژيم عراق ، از مدعيان مهدويت حمايت مي‌كنند

به نظر شما اكنون اين ادعاها زياد نشده ؟

ادّعا زيادتر از قبل نشده . اكنون در عراق 7 - 8 نفر [ مدّعي مهدويت يا سفارت ] هستند . در ايران هم زياد داريم . ولي در ايران مدعيان را مي‌گيرند .

اما در عراق دو حالت هست ؛ يكي اين كه عراق هنوز دولت [ قدرتمند ] ندارد و هنوز قانوني براي اينها نيست ، يكي هم اين كه عربستان و وهابيان وارد مي‌شوند و مدعيان را تقويت مي‌كنند . خب مي‌خواهند اين رژيم [ عراق ] را ساقط كنند . خيلي جالب است ، وهابيان از جنبش‌هاي مدعيان مهدويت در مناطق شيعه حمايت كرده و ميليون‌ها دلار هزينه اينها مي‌كنند . دو جنبش مهم كنوني [ در عراق ] از سوي وهابيان تقويت شده ، ولي با اقبال گسترده روبه رو نشده است .

ادعاي مهدويت در ايران ، بيش از هر جاي ديگر است

در ايران وضع ادعاهاي مهدويت چگونه است ؟

ادعاي مهدي بودن در ايران از عراق بيشتر است . ولي برخورد مي‌شود و كنترل مي‌شود . اما در ايران نوعي ادعاي پنهان و باطني مهدويت ( ادعاء المهدية المَخفي المُبطن ) نيز وجود دارد .

--------------------------- 25 ---------------------------

يعني به نظر شما اكنون ادعاي مهدويت در ايران بيشتر از عراق و كشورهاي ديگر است ؟

بله . حتماً بيشتر است .

چرا ؟ به خاطر ناآگاهي مردم ؟ دليلش چيست ؟

نه . محبت مردم به امام مهدي هم هست ، ولي شيطان‌ها مي‌خواهند از اين محبت گسترده سوءاستفاده كنند .

شيطان‌ها يعني كه ؟

شيطاني كه ادعا مي‌كند . كسي كه مي‌بيند مردم به امام مهدي علاقه مندند و مي‌خواهد سوءاستفاده كند . با خود مي‌گويد زمينه‌اش آماده است كه من ادعايي كنم و بگويم من با امام مهدي مرتبط هستم .

يعني افراد مغرض .

بله . افراد مغرض . ولذا ، هر كجا كه علاقه و عاطفه مردم به امام مهدي قوي شود ، ولي آگاهي آنها كم شود ، در آن جا ادعاهاي دروغ رشد مي‌كند .

\* \* \*

شيخيه و بابيت و بهائيت

حساب شيخيه از بابيه و بهائيه جُداست

در مورد شيخيه و بابيه و بهائيه چه مي‌فرماييد ؟

خواهش مي‌كنم حساب شيخيه را از بابيه و بهائيه جدا كنيد . شيخيان ،

--------------------------- 26 ---------------------------

يعني پيروان مرجع شيخ احمد احسائي ، ويژگيشان يك رويكردي در فهم معصومين عليه السلام و مقامات آنان و طرز برخورد با آنان است . اين رويكرد ، قرائتي از مذهب تشيع است و مانند بابيت و بهائيت ادعاي ارتباط با امام مهدي عليه السلام ندارند . در ضمن مرجع آن زمان ، مرحوم كاشف‌الغطا ، تأييدشان كرد .

پس پيروان نسل‌هاي بعدشانند كه منحرف شده‌اند ؟

اين بابيه و بهائيه‌اند كه مي‌گويند از شيخيه متفرّع شده‌اند . سوءاستفاده‌هايي كردند و جنبشي تأسيس شد . حتي اكنون هم در ميان شيخي‌ها نمي‌بينيد كه كسي ادعاي مهدويت كند . چنين چيزي ندارند .

مشكل شيخ احمد احسائي ، زبان رمزآلود و استعاري است

امروزه شيخيان كجا هستند ؟

در كويت و عربستان . عواطف آنان به اهل بيت گرم و پرشور است . مثلا در تمام سال در حسينيه‌هايشان روضه دارند . مراسم ، زيارت ، جشن‌ها و تفصيلات و بيان سيره اهل بيت را خيلي پرشور برگزار مي‌كنند .

يعني شيخيه در چارچوب تشيع رسمي مي‌گنجند ؟

بله .

و چيز خاصي ندارد كه انحراف حساب شود ؟

خير . ببينيد ؛ درباره شيخ احمد زين‌الدين ، علماي ما دو رأي دارند . بعضي‌ها مي‌گويند نه ما انحرافي از او نديده‌ايم ، بعضي‌ها هم مي‌گويند او منحرف است و ادعاي فلان و به همان دارد و اهل بيت را تأليه كرده است . اما جنبشي پيدا شد و تكفيرشان كردند و مناظره بر پاشد و مسئله ، سياسي شد و الخ . . .

--------------------------- 27 ---------------------------

و مي‌فرماييد خود شيخيان كنوني مشكل جدي‌اي ندارند ؟

يعني براي من ثابت نشده كه اينها انحرافي از اصول شيعه داشته باشند . حتي شيخشان . آخر شيخ احمد احسائي با زبان ويژه اي حرف مي‌زد . فلسفي و باطني بود . خودش هم پرشور بود و جَوَلان ذهنش عجيب بود . شبيه مثنوي مولوي حرف مي‌زد و زبان مخصوص به خود را داشت . خب ما نمي‌دانيم منظورش از حرف‌هايي كه مي‌زده چيست . ظاهراً و بر حسب سخن گفتن متعارفِ ما ، سخنان او انحراف و كفر است . ولي من نمي‌دانم منظور خود او چه بوده . او زبان ويژه خود را داشت و درباره امامان و مقامات آنان ، با آن زبان سخن مي‌گفت . يا خود او بايد اين سخنان را تفسير كند ، و يا كسي كه نماينده شيخيان و معتمد آنان باشد .

يعني شيخ احمد ، بياني هنري داشته ؟

اصطلاحات خاصي دارد . ببينيد ، عموم ايرانيان از شيخيان زده شدند و شيخ احمد احسائي را تكفير كردند . الآن گرايش حوزه‌هاي علميه هم همين است . مي‌گويند او اهل بيت را تأليه كرده . البته او ادعاي مهدويت نكرد . براي خودش ادعايي نكرد . ولي گفتند نوعى تأليه دارد و انحرافش هم از اين نظر [ از نظر غلو ] است . و گرنه ربطي به مهدويت ندارد .

اما [ پس از او ] شاگردان او ، و يا شاگردانِ شاگردان او ، آمدند و ادعا كردند كه ما با امام مهدي ارتباط داريم و « باب الامام » هستيم و بابيه و بهائيه را به وجود آوردند .

پس در نهايت نظر شما درباره شيخ احمد احسائي چيست ؟

نظر من اين است كه براي من ثابت نشده كه انحراف دارد . زيرا روش سخن گفتن ويژه اي دارد و معلوم نيست كه قصدش چيست . محتمل است اين

--------------------------- 28 ---------------------------

باشد و محتمل است كه آن باشد . ولي مي‌توانيم بگوييم عبارت‌ها و زبان و مصطلحاتش واضح نيست و دوپهلو است و ما [ اهل علم ] نبايد درباره ائمه از چنين زباني استفاده كنيم . زباني كه قابل تفسيرهاي گوناگون است مناسب نيست . بايد به زبان روشن و صريح صحبت كرد .

شباهت بابيت و بهائيتبه جنبش‌هاي قرعاوي و احمد الحسن

حال بفرماييد نظرتان درباره بابيه و بهائيه چيست ؟

بابيه و بهائيه را روس‌ها و انگليسي‌ها آمدند و تشكيل دادند . همانطور كه [ چند سال پيش ] وهابي‌ها آمدند و جندالسماء را تشكيل دادند . حركت مسلحانه آنان مي‌خواست نجف را بگيرد . مي‌گفتند نطفه امام علي عليه السلام محفوظ بوده و گرعاوي از آن پديد آمده و فرزند امام علي عليه السلام است . يارانش اعتقاد دارند كه اين ضياء القَرعاوي ( گرعاوي ) ، رهبر جُندُ السماء ، پسر امام است ، خودش هم امام مهدي عليه السلام است و . . .

قرعاوي چقدر يار جمع كرد ؟

هزار نفر بيشتر كه با اسلحه جنگيدند . دولت عراق در آن وقت نتوانست كاري كند و از آمريكايي‌ها كمك گرفت . در نزديكي نجف ، در زرقاء ، چندين روز درگير جنگ بودند . حدود 300 نفر از جندالسماء كشته شد ! بعضي‌هايشان واقعاً به قرعاوي اعتقاد داشتند ، بعضي‌هايشان هم وهابياني بودند كه مي‌خواستند نجف را بگيرند و مراجع را بكشند .

جريان بصره چه بود ؟

قرعاوي حدوداً در سال 2003 - 2004 بود . بعد از او احمد الحسن ، در 2008

--------------------------- 29 ---------------------------

در بصره قيام كرد . آن جا هم 100 نفري كشته شدند . او 500 يار مسلّح و فدايي داشت . يكي از آنان از من پرسيد : « نظرت درباره ما چيست ؟ » گفتم « به نظر من شما دو دسته ايد : مساكين و شياطين ! » زيرا در ميان آنها ، هستند كساني كه معتقدند او واقعاً فرزند امام مهدي عليه السلام است ، ولي اكثرشان مي‌دانند كه اين تنها يك جنبش سياسي است ، و با طمع كسب قدرت با او همراه شده‌اند .

اين جنبش‌هاي بابي و بهائي هم عيناً مانند اينهاست . اينها دو دسته‌اند : سرانشان شيطانند ، ولي بعضي‌هايشان نه ؛ ساده‌اند ، ساده‌لوحند و باور دارند .

مخلص ولي بي‌فكر .

همين است .

خب اينها چه ربطي به مهدويت دارند ؟

بابيان و بهائيان به مهدويت مربوطند . ولي شيخيان اصلاً ربطي به مهدويت ندارند . نه شيخيان و نه اخباريان ، ربطي به مهدويت ندارند . ويژگي اخباريان در روش فقهي ، روش فهم احاديث ، و جايگاه عقل و نقل است و به مباحث علمي درباره اين دو موضوع [ عقل و نقل ] برمي‌گردد . ويژگي شيخيان هم در تفسير مقامات اهل بيت و نقش اهل بيت در جهان و ولايت تكويني است و ربطي به مهديت ندارد . اما بابيان وبهائيان از اينها متفرّع [ منشعب ] شده‌اند و به مهدويت مربوط هستند .

\* \* \*

--------------------------- 30 ---------------------------

مشكل از كجاست ؟

سوءاستفاده دشمن خارجي از انحرافات فكري و نقاط ضعف

شباهت جنبش بهائيت به جنبش‌هاي جديد عراق

حال بفرماييد ، آيا وضعيت فكري روزگارپيدايش بابيه و بهائيه ، شباهتي به وضعيت كنوني ما دارد ؟

شما در پرسش خود ، پاسخ را داده ايد . بله . محرّك‌هاي سياسي اي كه بابيه و بهائيه را به وجود آورد ، به محرّك‌هاي جنبش‌هاي منحرف مهدوي در روزگار ما ، شباهت دارد . اين جا بايد توجه كرد ، بعضي‌ها دوست دارند دليل پيدايش اين جنبش‌ها را بر مذهب شيعه و اعتقاد به مهدي موعود عليه السلام تحميل كنند . اين اشتباه است . زيرا - همانطور كه گفتيم - اگر چيزي ، امكان سوءاستفاده و بهره‌برداري نادرست را داشت ، معني‌اش اين نيست كه باطل است .

بله ، اكنون هم انگليس و صهيونيست در اين جنبش‌ها نقش دارند . نشانِ پرچم احمد الحسن ، [ مهدي دروغين بصره ] ستاره داود است . او مي‌گويد اين ستاره مقدس است ، از يهود و اسرائيل با احترام نام مي‌برد ، و به عراقي‌ها اشكال

--------------------------- 31 ---------------------------

مي‌گيرد كه چرا پرچم اسرائيل را زير پا مي‌اندازند . اين يعني چه ؟ يعني وهابيان - كه هزينه‌هاي او را تأمين مي‌كنند - اين را با موساد شرط كرده‌اند . چون اكنون تقديس اين ستاره يعني تقديس اسرائيل .

حمايت دشمنان از نقاط ضعف و مقولات منحرف درون شيعه

خب يك زمينه فرهنگي وجود داشته كه روس و انگليس توانسته‌اند اينها را از آن دربياورند .

بله . هنگامي كه دشمنان ما مي‌خواهند در جامعه ما ، فعاليت تخريبي انجام دهند ، قاعدتاً روي نقاط ضعف ما دست مي‌گذارند . هنگامي كه مي‌خواهند باور مهدويت را تخريب كنند ، در قم و تهران و مراكز شيعه‌نشين ، مي‌گردند و مقولات منحرف مهدويت را پيدا مي‌كنند ، افرادي را كه هوس تأسيس جنبشي به نام مهدي عليه السلام در سر دارند ، پيدا مي‌كنند . سپس آنها را تشويق و حمايت مي‌كنند . مثلا هنگامي كه مي‌بينند رئيس جمهور يا فلان عالم ، دارد افكار ويژه اي را درباره امام مهدي عليه السلام مطرح مي‌كند ، بررسي مي‌كنند تا ببينند آيا اين افكار ، مي‌تواند پايه يك جنبش مهدوي در جامعه بشود تا جنبش را به هدف‌هايي كه مي‌خواهند برسانند ؟

خب ما كه نمي‌توانيم عوامل خارجي را تغيير دهيم ، نمي‌توانيم روسيه و انگليس و صهيونيست را عوض كنيم ، پس بياييم خودمان را اصلاح كنيم تا آنها هم نتوانند سوءاستفاده‌اي كنند .

اين حرف خوبي است . ولي فقط تئوري است ، عملي نيست . ما نمي‌توانيم از پيدايش جنبش‌هاي منحرف به نام مهدي عليه السلام صد در صد جلوگيري كنيم .

--------------------------- 32 ---------------------------

اما بله ، مي‌توانيم مردم را آگاه كنيم تا منحرفان ، طرفداران زيادي پيدا نكنند و از يارانشان كم شود .

\* \* \*

مشكل از اميد نيست

اميدواري عاقلانه ، يك اصل است

اصل اعتقاد را هم كه نمي‌توان حذف كرد .

هرگز . مي‌گويند شما اميد به مردم ندهيد ، مأيوسشان كنيد ، بگوييد شايد ظهور پنج هزار سال ديگر باشد ! نه ، اين درست نيست .

يك نفر در برنامه‌اي [ در تلويزيون ] مي‌پرسيد : شما از كجا مي‌دانيد آغاز ظهور چه وقتي است ؟ گفتم : خيلي خب ؛ احتمال اين كه پنج هزار سال ديگر باشد هست ، ولي احتمال اين كه فردا باشد هم هست . گفت : بله . گفتم : خب چرا مي‌خواهيد من روي آن پنج هزار سال تأكيد كنم ؟ اين درست نيست .

يعني نمي‌توان گفت اميد را حذف كنيم ، يعني اميد ، زمينه اين انحرافات نيست ؟

نه ، نمي‌توان اين پديده‌ها اين گونه فهميد كه تقصير تماماً از ماست و ما زياد اميد داده‌ايم . اين اشتباه است و ساده‌لوحي است . اميد ، ضروري است . اميد ، يكي از پايه‌هاي دين و مذهب ماست . روايت شده كه شيعيان با اميد پرورش مي‌يابند . « علي بن يَقطين » متفكري مهم و وزيراعظم هارون الرشيد بود . او مي‌گفت : اگر بگويند مهدي هزار سال ديگر مي‌آيد ، شيعيان نااميد و نابود مي‌شوند ، بگوييد نزديك است ، نزديك است ، اميد داشته باشيد . شيعيان به

--------------------------- 33 ---------------------------

اميد زنده‌اند ، پرورش مي‌يابند . ( 1 )

اين سخن كه اميد دادن زيان دارد ، اشتباه است ؛ اما بايد اميد را توأم با عقلانيت به مردم عرضه كرد . همانطور كه عقلانيت توأم با نااميدي درست نيست ، اميد بدون عقلانيت هم درست نيست . بله ؛ برخي از سخنرانان و منبريان به خطا مي‌روند و در سخنانشان ، جنبه اميد بر عقلانيت غلبه مي‌كند . قاعده درست اين است : باب اميد باز است ، ولي توقيت ممنوع است .

فايده اميد براي فرد و جامعه : « اينجا چراغي روشن است »

ولي بعضي‌ها اميدواري را غيرواقع گرايانه مي‌دانند .

احتمالاً اصحابِ اين روش ، خود ، افسرده و نااميدند . شايد به سن يأس رسيده‌اند . باورشان اين است كه عصرِ ما ، عصرِآمدن امام مهدي نيست ، « احتمال » اين كه عصر او باشد هم نيست . اينها حاضرند - و خوشحال هم مي‌شوند كه - به مردم بگوييم نه ، نه ، خبري از امام مهدي نيست و پنج هزار سال ديگر مي‌آيد .

اينها به دليل اين كه « مبادا به اشتباه بيفتيم » ، مي‌خواهند نااميدي را در جامعه رواج دهند . حال آن كه ما مي‌گوييم اميد به آينده ، براي حركت جامعه امري ضروري و مفيد است ، حتي اگر اين اميد ، به زودي تحقق نيابد .

چرا اميد مفيد است ؟

ائمه به ما گفته‌اند . و سخن ائمه ، سخن خدا ، و عقل و حكمت است .

حتماً روي حسابي گفته‌اند ؛ شما فكر مي‌كنيد دليلش چيست ؟ يعني چه كاركردي دارد ؟ چه سودي مي‌رساند ؟

< هامش >

( 1 ) . " الشيعة تربي بالأماني " ، غيبة نعماني ، 305 .

< / هامش >

--------------------------- 34 ---------------------------

اصلا انسان دو روش دارد : روش نااميدانه و روش اميدوارانه .

كسي كه مي‌گويد من كاري به اين حرف‌ها ندارم ، چطور ؟

يعني نااميد است . رو به نااميدي دارد . ما از روش قرآن و اهل بيت عليه السلام مي‌فهميم كه گفته‌اند [ عصر امام ] نزديك است ، نزديك است . « عَسَي أن تَكونَ قريبا » . مانند حالت انتظار مرگ ؛ حتي به يك جوان ، اگر بگوييد مرگ ممكن است نزديك باشد ، ممكن است نزديك باشد ، براي بهبود شخصيتش بهتر است ، براي اصلاح جامعه هم بهتر است .

يعني انتظار مهدويت را به انتظار مرگ تشبيه مي‌كنيد ؟

براي اصلاح انسان بله . از يك بُعد بله . به اين معني كه ظهور امام مهدي عليه السلام نيز ، مانند مرگ ، حتمي است . بله ، زمان آن را نمي‌دانيم . اما بايد حساب آن را بكنيم . در برنامه‌هايمان امكانش را در نظر بگيريم ، و اميدوار باشيم كه نزديك باشد .

بيشتر توضيح دهيد . اين خيلي جالب است .

ببينيد ، انسان در جامعه خيلي صدمه مي‌بيند ، خيلي در ظلم و فشار است . دائم چيزهاي منفي ، منفي ، منفي . ولي با خود مي‌گويد با اين كه بدي زياد است ، اما حتماًپيش روي ما نور است . با آن كه در دور و برش تاريكي مي‌بيند ، مي‌گويد ولي يك نوري ، يك چراغي آن جا هست . چراغ كجاست ؟ ان شاءالله نزديك است ، ان شاءالله نزديك است . اين طرز فكر ، به شخصيت انسان تعادل مي‌دهد و او را حفظ مي‌كند .

\* \* \*

--------------------------- 35 ---------------------------

واكنش ما به مدعيان ارتباط با امام زمان : يا معجزه يا مجازات !

مي‌توان از آسيب‌ها كاست ، ولي نمي‌توان آنها را كاملاً از ميان برداشت

سؤال بعدي ما اين است : در جامعه امروز ، بايد چه مؤلفه‌هايي را رعايت كنيم تا دچار آسيب‌هاي سوءاستفاده از مهدويت نشويم ؟

نمي‌شود هرگز دچار نشد . جامعه ، قابل آسيب هست . تمام جوامع بشري چنين آسيب‌هايي را دارند .

يعني اصلِ اين آسيب‌ها گريزناپذير است .

البته . آسيب ، هميشه هست . طبيعي است . وقتي مي‌بينيم از توحيد سوءاستفاده مي‌كنند ، نمي‌توانيم توحيد را لغو كنيم . اين آسيب‌ها را فقط مي‌شود كم كرد .

راه حل در رعايت حُكم شرعي است : از مدّعي معجزه بخواهيد !

چگونه ؟ بايد چه كنيم تا آسيب كم شود ؟

بايد احكام شرعي را رعايت كنيم . « الامام ، يُعرَفُ بِالنَّص و المعجِزة » ، « امام ، يا با نص شناخته مي‌شود يا با معجزه » . بايد به مردم ياد بدهيم كه هر كس ادعاي ارتباط خاصي با امام مهدي دارد ، مثلا مي‌گويد سفير اوست يا پسرش است يا خودش است ، به او بگويند : معجزه نشان بده !

بله ، وقتي نص ندارد [ = حديث صريحي در تأييد او وجود ندارد ] ، پس بايد معجزه نشان بدهد .

به مردم بگوييم تا يك نفر آمد و گفت « من از طرف امام مهدي به شما مي‌گويم

--------------------------- 36 ---------------------------

اين كار را بكن » به او بگوييد « صبر كن . به امام مهدي بگو من اين را نمي‌پذيرم و از تو معجزه مي‌خواهم . » چه معجزه اي ؟ مثلا مرگ « ناتانياهو » در روزي مشخص ! تمام شد .

مي‌توانيم معجزه را تعيين كنيم ؟

بله حتماً . بگوييد « برو به امام مهدي بگو اينها نمي‌پذيرند و مي‌گويندتو دروغگويي . اگر راست مي‌گويي معجزه بياور » . همين . اين فرهنگ را بايد به مردم آموخت . ادعاهاي خالي را نپذيريد .

تمام ادعاهاي ارتباط با امام زمان عليه السلام دروغ است ، مگر خلافش ثابت شود

يعني پيش‌فرض اين است كه همه اين ادعاها كاذب است ، و اصل بر دروغ بودن است ، مگر اين كه خلافش ثابت شود .

بله . حتماً . نه فقط ادعاي مهدويت ، حتي اين كه ادعا كند من از طرف امام مهدي آمده‌ام و اين سخن را مي‌گويم . همين كه بگويد امام مهدي به من گفت ابلاغ كن ، يعني « ادعاي سفارت » ، و شرعاً معجزه مي‌خواهد .

حتي در خواب ؟

خواب يا بيداري فرقي نمي‌كند . چه خواب ، چه بيداري . حتي اگر گفت امام گفته اين را به فلاني بگو ، حتي اگر بگويد در خواب مرا منصوب كرد . يعني من از طرف امام مهدي به شما مي‌گويم و اين يعني ادعاي سفارت .

هر كسي كه باشد ؟ هر پيغامي ؟ معجزه مي‌خواهد ؟

بله ، حتماً . حتماً .

--------------------------- 37 ---------------------------

به خواب‌ها اعتماد نكنيد ، مراقب ادعاي سفارت باشيد

حتي كسي كه ادعا ندارد امام را ديده . فقط مي‌گويد من خواب ديده‌ام كه امام زمان چنين مي‌گفت ؟

حتي اگر پنجاه تا خواب ببيند . توجه كنيد . بعضي‌هااين گونه‌اند ، مستقيم نمي‌گويند ، به شيوه كج مي‌گويند ! مثلا يك خانمي بود ، در قطيف [ شرق عربستان ] . خانم‌جلسه‌اي بود . مجلس برپا مي‌كرد . آمد گفت امام را در خواب ديدم مي‌گفت اين كار را بكنيد ، اين كار را نكنيد . باز آمد گفت امام در خواب به من گفته . . . كم كم ، ادعا كرد كه هر روز - در بيداري - با امام ملاقات مي‌كند و تمام حركات و سكناتش به دستور امام است . جرياني به راه انداخته بود .

سپس با من تماس گرفت و گفت : « من نماينده امامم . مرا به قم دعوت كنيد و به علما معرفي كنيد . » گفتم : « قم آمدن ندارد . اگر نماينده هستي ، معجزه‌اي درست و حسابي نشان بده . بگذار جهان بداند امام تو را فرستاده . » و كم كم ساكت شد .

خب اين دارد ادعاي سفارت مي‌كند ، ولي سفارت توسط خواب . خواب يا بيداري فرقي نمي‌كند . وقتي از زبان امام مي‌گويد اين كار را بكنيد يا نكنيد ، اين ادعاي سفارت است .

حتي براي كاري كوچك ؟

حتي كار كوچك . يك نفر در بحرين [ از طرف امام ] به مريدانش مي‌گفت جوراب نپوشيد . بعدا كم كم شروع كرد كه مثلا شما خانمت را طلاق بده ، بده به فلاني . بله . اين گونه است . هركاري مي‌كنند . از همين جا هم شروع مي‌شود . « حركة السفارة » ، همين است .

--------------------------- 38 ---------------------------

مدعيان دروغين ارتباط با امام زمان عليه السلام ، بايد تعزير شوند

پس به نظر شما ، براي اين كه اين آسيب‌ها كمتر شود . . .

احكام شرعي را اجرا كنيد . ما مأموريم هر ادعاي سفارتي را تكذيب كنيم .

همچنين هر ادعاي امام مهدي يا فرزند امام مهدي بودن را . هركس ادعايي كند ، پيش از هرچيز به او مي‌گوييم « مواظب باش ! برو به امام بگو قبول نكردند ، گفتند ما معجزه مي‌خواهيم ، و اگر معجزه نياوردي تأديبت مي‌كنيم ؛ تنبيه بدني ! »

يعني مثل حد قذف [ دروغ و تهمت ناموسي ] ؟ يعني حكم دارد ؟

حد نه ، تعزير دارد . تعزير كمتر از حد است ، حد هشتاد ضربه شلاق است ، تعزير مثلا سي چهل تاست ، تعدادش موكول به نظر قاضي است .

پس به نظر شما مدعي دروغين را بايد به دادگاه برد و تعزير كرد .

بله . حتماً .

پس اگر كسي ادعاي پيغامي كرد ، حتي در حد خواب و پيغام ساده ، بايد از او معجزه خواست ، و گرنه بايد تعزير شود .

حتماً ، حتماً .

\* \* \*

--------------------------- 39 ---------------------------

مشكل اصلي ، عرفان كاذب است

عرفان كاذب ، مهم ترين زمينه رشد ادعاهاست

ديگر چه پيشنهادي داريد ؟

بايد سطح عمومي فرهنگ جامعه را بالا ببريم .

يعني چه ؟ چطوري بالا ببريم ؟

در ايران ، اين حالت عرفان كاذب ، زمينه مهمي براي اين ادعاهاست .

يعني چه ؟

يعني مثلاً از عرفان كاذب پرده برداريم . عرفان دروغ ، مهم‌ترين زمينه رشد اين ادعاها است .

عرفان كاذب يعني چه ؟

متأسفانه بايد گفت ، بيشترين عرفاني كه اكنون در ايران منتشر است ، عرفان كاذب است . عرفان كاذب نوعى از خودخواهي است .

كسي كه فكر مي‌كند مثل خداست ، چرا فكر نكند مثل امام زمان عليه السلام است ؟

ببينيد ؛ عرفان چند نوع است : يكي روش « تعذيب الذات » كه سختگيري و شكنجه و خودآزاري است روش رياضت‌هاي هندي است ؛ يكي هم روش « تقديسُ الذات » كه اكنون در ايران معروف است و به طالب ياد مي‌دهند كه شما قدرت هاى بالا داريد . اين قدرت ها را بالفعل كنيد .

الآن اين عرفاني كه براي رسيدن به اغراض خود آن را به امام خميني قدس سره

--------------------------- 40 ---------------------------

نسبت مي‌دهند ، اين گونه است كه به فرد مي‌گويد : « توانايي‌هاي عظيمي درون تو هست ، تو مي‌تواني به بالاترين مقامات و درجات عاليه امامان و پيغمبران عليه السلام برسي ، عالم اكبر درون توست ، تو مي‌تواني در خدا فنا شوي ، تجلي خدا شوي ، مظهر اسما و صفات خداوند باشي ! »

اينها را به كسي مي‌گويند كه اهل گناه است و حتي نمي‌داند واجباتش را چگونه بايد انجام دهد ، اين را به كسي مي‌گويند كه نه دين را مي‌فهمد ، نه زندگي را . او را باد مي‌كنند ، آن بيچاره هم خيال مي‌كند كه واقعا به درجه عاليه‌اي رسيده ، در حالي كه در سلوك شرعي ، همچنان زير صفر است .

چنين كسي كاملاً آماده است كه ادعا كند با امام مهدي عليه السلام ارتباط دارد ، يا مانند خود اوست و مي‌تواند به نام او سخن بگويد .

بعضي متون را مي‌آورند تفسير غلطي از آن ارائه مي‌دهند . مثلا مي‌گويند « مَن عَرَفَ نَفسَه ، فَقَد عَرَفَ رَبَّه » به اين معني است كه خدا را از راه تأمل در خودت بشناس . در حالى كه تفسير صحيحش يعني هر كس نقص خود را بفهمد ، به كمال خدا پي مي‌برد ، ناتواني خود را بفهمد ، به قدرت خدا پي مي‌برد . نه اين كه خودش شبيه خدا مي‌شود .

راه شناخت خدا ، مشخص است . تأمل در خود كافي نيست . خدا از راه پيامبر و امامان شناخته و پرستش مي‌شود . خدا براي هدايت ما ، براي آموزش ما ، معصومان را فرستاده ، نه اين آقا و آن آقاي جايز الخطا را .

من از يكي از آقايانِ قم يك سخنراني شنيدم ؛ از يكي از آقايان معروف در فلسفه و عرفان ، كه از مسؤلان حوزه و مؤيد نظام است ، در تلويزيون رسمى ، مراحل ترقّي انسان را مي‌گفت . چند مرحله گفت و زود رسيد به فناء في الله ! خدايا ! فناء في الله ! فاني مي‌دانيد يعني چه ؟ يعني كسي كه از خودش ذات و اراده شخصى ندارد .

--------------------------- 41 ---------------------------

« و ما رَميتَ اذ رَميت » بشود .

يعني حجّتش مي‌شود حجّتِ پيغمبري . مي‌گويد فلان شخص به درجه فناء في الله رسيده . ماشاءالله ! ماشاءالله ! خيلي خوب است ! حالا اين شخص را يك اذيتي بكن ، ببين چه مي‌شود ! مثل مار مي‌شود !

فناء و اين حرف‌ها دروغ است ، لقلقة اللسان است . كدام فناء ؟ چه فنايي است كه من تابع خواسته‌هاي خودم باشم ؟ اگر خانه يا زندگي يا غذايم يا شهرتم يا فلان را به هم بزنند ، ناراحت بشوم .

فناء يعني حضرت زهرا ( س ) « رضاي او ، رضاي خداست » ، از خودش اراده و خواستي ندارد ، اراده‌اش اراده خداست . وقتي پيامبر مي‌فرمايد « انّ اللهَ لَيَرضَي لِرِضا فاطمة و يَغضَب لِغَضَبها » ، يعني خودش اراده ذاتي ندارد ، اگر ناراحت شود ، يعني اراده خدا در چهره‌اش هويدا مي‌شود .

دو نمونه از مردم ساده‌اي كه در پي شناخت امام زمان عليه السلام از راه عرفان بوده‌اند

نمونه مي‌آورم : چند نفر از عراق آمده بود . گفت : « ما امام زمان را به عبوديت شناخته‌ايم ، به ولايت هم شناخته‌ايم ، فقط مانده به نورانيت بشناسيم تا معرفتمان كامل شود . » گفتند : « گفتيم بهترين كسي كه مي‌تواند امام را به نورانيت به ما ياد بدهد ، فلاني [ = كوراني ] است . ما آمده‌ايم پيش شما . »

خب معرفت توسط نورانيت ، اصلش درست است . در تفسير آيه : « اللهُ نورُ السمواتِ و الارض ، مَثَلُ نورِهِ . . » آمده است كه « الامام نور الله في الارض » امّا . . . اينها هفت هشت نفر بودند . گفتند ما حاضريم و برنامه مي‌خواهيم . چند جلسه ، هر وقت كه شما بگوييد ، حتي دوي بعد از نصفه شب . هر كجا ، خانه شما ، حرم ، جمكران ، هر كجا . شما مكان و زمان را انتخاب كنيد ما ان شاءالله خدمتتان مي‌آييم .

--------------------------- 42 ---------------------------

خب . از آن آقاچند سؤال كردم . مي‌خواستم اصحابش را بشناسم . از دومي و سومي هم سؤال كردم . با آنها صحبت كردم ، اما رئيس گروه ، دوست نداشت كه من با آنها حرف بزنم .

يعني دوست نداشت شما مستقيماً با اصحابش مواجه شويد ؟

بله . من به اين نتيجه رسيدم كه او دروغگويي عامي است . حتي به يكيشان مي‌خورد كه دزد باشد ! به يكيشان مي‌خورد اصلاً نماز نخواند ، به يكي مي‌خورد آدمي بسيار ساده مثلا كارگر سبزي فروشي باشد .

به آنها گفتم : « بسيار خب ، من ان شاءالله حاضرم . ولي شرطي دارم . از شما امتحاني مي‌خواهم : شش ماه برويد ، تمام واجبات شرعي را انجام بدهيد ، هيچ كار حرامي هم مرتكب نشويد ، بعد از شش ماه ، اگر موفق شديد ، بياييد اين جا ، ان شاءالله چشم . »

رفتند و ديگر نيامدند ؟ !

[ با خنده ] بله !

يك نمونه ديگر مي‌آورم : خانمي از عربستان آمده بود قم . به من مي‌گفت آمده است تا اهل عرفان بشود و در زمره ياران خاص امام مهدي عليه السلام دربيايد . مي‌گفت در آن سيصد و سيزده نفر ، پنجاه زن است ، آمده است كه جزو آنها بشود .

مي‌خواست نزد آيت الله مصباح وآيت الله بهجت درس عرفان بخواند . به او گفتم بچه هم داري ؟ گفت بله . دو سه بچه داشت . گفتم پس چطور آمده‌اي ؟ بچه‌هايت را چه كرده‌اي ؟ گفت كه شوهرش را متقاعد كرده بچه‌ها را نگه دارد و خودش آمده اين جا . كه چه ؟ كه مي‌خواهد سطح عرفاني خود را رشد دهد تا به فلان مقام برسد .

--------------------------- 43 ---------------------------

مصادره مقام معصوم به نفع افراد جايز الخطا

اصل اين عرفان كاذب همين است : مقامات اهل بيت عليه السلام را مصادره مي‌كنند ، مي‌دهند به اين شيخ و آن شيخ و اين آقا و آن آقا . مي‌آيد به مردم مي‌گويد : بياييد مريد ما باشيد ، ما شما را مي‌بريم بالا . چه ؟ به مقام حضرت زهرا ( س ) مي‌خواهند برسانند .

اين دروغ است . اين عرفان ، دروغ و خطرناك است . جلوي « اين » را بگيريد . اين كمتر از ادعاي مهدويت نيست . اين زمينه‌اي براي هزار ادعاست كه يكيشان مهدويت است .

اين كه كسي خودش بگويد داراي مقامي بالاست ، به دور از تقواست

مگر نمي‌گوييم ائمه الگوي ما هستند ؟ وقتي مي‌گويند اين الگوست ، يعني شبيه اين شو ، مثل اين باش .

اولاً ، كسي كه درجه اي از تقواي اهل بيت و معصوم را داشته باشد ، نبايد خودش اين را درباره خودش بگويد . ديگران بايد بگويند .

مگر ائمه خودشان جايگاه خود را نمي‌گفتند ؟

آن امام معصوم است . بالاتر از اين‌هاست . امام اصلا استثناست . امام گاهي تكليفش است كه بگويد تا اتمام حجت كرده باشد .

كسي غير از امام اگر به جايي رسيد تكليف ندارد بگويد ؟

نخير . وانگهي ؛ ما مي‌گوييم : در اين ادعاها ، اصل ، دروغ و خيال است ، مگر آن كه خلافش با قطع و يقين ثابت شود .

--------------------------- 44 ---------------------------

خب بعضي‌ها كراماتي هم دارند . مي‌خواهم مرز اينها را با معصومان ، معلوم كنيد .

اين را قاطي مي‌كنند . وقتي اينها راقاطي ائمه مي‌كني ، ادعاي مهدويت و ياري امام مهدي زياد مي‌شود . اين عرفان دروغين را حذف كنيد . هرگز غير از معصوم ، فاني في الله نداريم ، كسي كه تمام اراده‌اش اراده خدا باشد نداريم . آن كه اين مقام را ادعا مي‌كند ، دروغ مي‌گويد .

مدّعيان هنگام عمل ، دروغ خود را نشان مي‌دهند

خب وقتي كسي ادعا مي‌كند چه كار بايد كرد ؟ برفرض الآن يك نفر مي‌آيد ، يا خودش ادعا مي‌كند ، يا با واسطه مي‌شنويم كه مدعي مقامي است ، منِ نوعي ، چه واكنشي بايد نشان بدهم ؟

امتحانش كن . اندكي اذيتش كن ! اندكي غيبتش را كن ! ببين چه مي‌كند !

يعني اخلاقش را بسنجم ؟

امتحانش كن به مال ، به ذات ، به حيثيت ، به هر چيز ، ببين چه كار كه نمي‌كند !

كدام فنا باباجان ؟ اوه ! نَعوذُ بالله ! بعضي از اينها آدم مي‌كشند ! مي‌كشند ! يك به اصطلاح عارفي بود - از همين نوع - وسط نماز و عبادت بود ، آمدند به او گفتند فلاني را كه از مخالفان تو بود و از قبيله ديگر بود ، گرفته ايم ، چه كارش كنيم ؟ آن عارف ، همانطور كه الله اكبر مي‌گفت ، اين طور [ به گردنش ] اشاره كرد كه بكشيدش . اين فناء في الله است ؟ اين دروغ است ، اين حرف است ، لقلقه زبان است .

اين عرفان دروغين را بايد از جامعه پاك كنيم . آن وقت زمينه ادعاي مهدويت هم خيلي كم مي شود .

\* \* \*

--------------------------- 45 ---------------------------

غُلُوّ در مورد اشخاص

در ايران ، تعريف و تمجيد افراطي ، فراوان است

پرسش بعدي درباره جعل اصطلاحات جديد است . اين اصطلاحات چقدر با اصول اعتقادي تشيع درباره مهدويت ارتباط دارد ؟

اين كه اين پديده‌ها را آسيب‌هاي مباحث ظهور بناميم ، نادرست است . سرچشمه آن ، از مباحث ظهور نيست . اصل تمام اين ادعاها ، روش نادرست در عرفان و غُلُوّ درمورد اشخاص است .

يعني بت كردن ديگران ؟

بله . در ايران به فرد بسيار احترام مي‌گذارند . حتي در مورد يك فرد ، فعل جمع به كار مي‌برند . اين احترام ، گاهي مثبت و ارزنده است ، ولي گاهي هم به افراط مي‌رود و مشكل‌ساز مي‌شود . حتي درمورد يك مسئول . اينجا وقتي كسي عاشق يك مسئول مي‌شود ، غلو مي‌كند و غلو مي‌كند و از او بت مي‌سازد . اگر عاشق خودش شود نيز همين كار را مي‌كند .

چگونه مي‌شود از اين جلوگيري كرد ؟

روش عرفاني‌اي كه ما الآن در حوزه داريم ، بايد نقد و بررسي شود . وقتي به طلبه مي‌گوييم اگر خودت را بشناسي ، از راه نفس و تأمل در خود ، به خدا مي‌رسي ، اين روش خطرناكي را ارائه مي‌دهد . اين را بايد بفهمانيم به طلبه . اينها دارد تلقين مي‌شود به طلبه . و مشكل ما از اين جا نشئت مي‌گيرد .

يك عرفان كاذب درست مي‌كنند ، مي‌چسبانند به امام خميني ، براي اهداف

--------------------------- 46 ---------------------------

و اغراض خودشان . يا به كسي نسبت مي‌دهند كه اصلا خودش خبر ندارد ، مثل مرحوم آقاي بهجت .

كراماتي كه به آيت الله بهجت نسبت مي‌دهند : به داستان‌هاي بي‌سند اعتماد نكنيد

يعني حرف‌هايي را به آيت الله بهجت نسبت مي‌دهند كه خودشان هم خبر نداشتند ؟

ابداً . خبر نداشت . چقدر ادعاهاي مختلف درباره مرحوم آيت الله بهجت مطرح است . من درباره اينها تحقيق كردم . يك نفر را فرستادم كه پرس‌وجو كند . گفت والله من رفتم نزد دفترش ، پسرش ، شاگردان مخصوصش ، پرسيدم ، اصلا اين خبرها نبود ، از قصه‌هاي كرامت ، هيچ خبري نبود . « شنيده‌ايم شنيده‌ايم » زياد است . خبرهاي با واسطه ، ماشاءالله زياد است . ولي چيزي كه مستند باشد ، نه . اگر بپرسند خودت اين كرامت را ديده‌اي ؟ با چشم خودت از آقاي بهجت ديدي ؟ مي‌گويد نه ، از كسي شنيده‌ام . خب اين كسي كه مي‌گويي كيست ؟ مي‌روم پيشش مي‌گويد از كسي ديگر شنيده ام . همين جور . . . [ شاخ و برگ پيدا مي‌كند . ] معني اين چيست ؟ يعني روش غلوي درباره اشخاص ، بزرگ كردن بي‌جاي اشخاص هست .

فكر مي‌كنيد دليلش چيست ؟

دليلش همين روش عرفانى غلط است . اهداف سياسي را نمي‌دانم . من مي‌دانم اين پديده‌ها در جامعه ايران بايد معالجه شود . اين پديده بايد معالجه شود . مثلا مدتي هم ما گرفتار [ . . . ] بوديم .

--------------------------- 47 ---------------------------

جريان [ . . . ] در كشورهاي عربي

جريان [ . . . ] ؟

بله . جناب آقاي [ . . . ] ، مطالبي درباره آقاي [ . . . ] گفت . گفت كه اين [ . . . ] خيلي مهم است . اوخود به وي اعتقاد پيدا كرد . درباره‌اش كتاب نوشت و به عربي ترجمه كرد و در كشورهاي عربي منتشر شد . و ما را گرفتار كرد . حالا بيا و اين مسئله را معالجه كن . تا مدّت‌ها از كشورهاي عربي تماس مي‌گرفتند و درباره او مي‌پرسيدند . « وليُّ الله في ايران » ، « صاحب الكرامات » . ديگر نمونه و الگو شده بود . خواندم ديديدم . . .

چه چيزي را خوانديد ؟

كتابش را . شما نخوانده ايد ؟ ! خواندم ديدم مي‌گويد وقتي كه او را در قبر مي‌گذاشته‌اند ، شنيده‌اند كه صدايي به منكر و نكير مي‌گويد كه از او حساب نكشيد .

چه كسي اين را شنيده ؟ همان كه او را دفن مي‌كرده . معلوم نيست كيست . همين است . مثل قصه‌هاي مرحوم آقاي بهجت . مي‌گويند از فلان و از فلان نقل است كه شنيده‌اند .

يعني اين سوءاستفاده است ؟

ايشان قصدش خوب بود . ولي به هرحال ، اين آسيب داشت . اين روش عرفان اشتباه و نادرست ، نشر آن در ميان مردم ، نتيجه‌اش اين شد .

\* \* \*

--------------------------- 48 ---------------------------

اشتباه بزرگ : آميختن مقام معصوم و غيرمعصوم

« تفاوت از زمين تا آسمان است »

يعني اين كرامات را نبايد گفت ؟ پس كرامات پيامبر و امامان چيست ؟

مسئله معصومين ، چيز ديگري است . مقام معصومين - صلوات الله و سلامه عليهم - پُستي از جانب خداست . منصب و مسئوليتي از سوي خداست . پيغمبر ، مقامش از خداست ، مقام ائمه از خداست . يعني از سوي خدا نازل مي‌شود و او خودش اينها را انتخاب مي‌كند .

اما وقتي كه شما مي‌گوييد انسان مي‌تواند به مقامات معصومين برسد ، چه مي‌شود ؟ [ اين مقامات ] مي‌شود گياهي و زميني . مقاماتي كه ما از پيامبر و اهل بيت سراغ داريم ، آسماني است . زمينى نيست .

پيامبر بَشَر است ، اما فقط اين نيست ، او جنبه‌اي بيشتر از ما دارد

پس اين كه مي‌گويند پيامبر و امام الگو و اسوه است ، معني‌اش اين نيست كه ما هم بايد مثل معصوم بشويم ؟ الگويي كه من نتوانم شبيهش شوم ، چه الگويي است ؟

« قُل اِنّما اَنا بَشَرٌ مِثلُكم ، يُوحَي اِلَيّ » [ = اي پيامبر به مردم بگو من بشري مثل شما هستم اما به من وحي مي‌شود ] ، اين دو جنبه دارد : يك جنبه‌اش « بَشَرٌ مثلُكم » است ، يك جنبه‌اش « يوحي اِلَيّ » است . خب من نمي‌توانم « يوحي الي » بشوم . در بقيه ، در « بشر مثلكم » ، باشد . مي‌خورم ، مي‌روم ، مي‌آيم ، نماز مي‌خوانم ، اما به من وحي نمي‌شود .

--------------------------- 49 ---------------------------

خب « اسوه حسنه » چه ؟ [ آيه « لَكم في رَسولِ الله اُسوَةٌ حَسَنة » « براي شما در پيامبر ، الگويي نيكو هست » ]

در همين جنبه است . نه در جنبه « يوحي الي » . آن را رها كن . آن مخصوص خود پيامبر است . يعني در يك جنبه كه مثل شماست ، در همان جنبه هم الگوي شماست . ولي جنبه ديگرش ، « خارجِ موضوعي » است و ربطي به اسوه بودن ندارد .

همين است كه آيه مي‌گويد « في » رسول الله ، اسوه حسنه است ؟

بله ، اين مي‌تواند باشد .

از صفر تا فنا در نيم ساعت !

پس اين هم كه ما فكر كنيم « بالقوه » مي‌توانيم پيامبر شويم ، ولي « بالفعل » نمي‌توانيم ، اين درست نيست ؟

ابدا . اين درست نيست . برخي خيال كرده‌اند مقام نبوت و امامت ، رشد زميني است و انسان مي‌تواند به اين مقامات برسد ، به اينها بگوييد كه آسيب از اين جا مي‌آيد . از اين طرز تفكر كه مقامات معصومين يك ترقّي است ، و هر كس كه ترقّي كند مي‌تواند امام معصوم شود .

الان ما در جامعه ايران ، كساني را داريم كه دم از عرفان مي‌زنند . در حوزه ، تدريس عرفان هست . شنيده‌ام بعضى آقايان [ در درس عرفان ] در نيم ساعت مي‌رسند به الفناء في الله ! تمام شد ! ختم شد ! سير وسلوك الى الله ، از صفر تا فنا ! ظرف چند روز هم فارغ التحصيل مي‌شوند ! اين خيلي خطرناك است !

\* \* \*

--------------------------- 50 ---------------------------

دليل رواج ادعاي مقامات عرفاني

« مردم » چرا مي‌پذيرند ؟

حالا بياييد از اين سو بنگريم . چرا اين حرف‌ها زود مي‌گيرد ؟ چرا زمينه پذيرش اينها هست ؟ چرا مردم زود مي‌پذيرند و خود به دنبال چنين چيزهايي هستند ؟ آيا از سر سادگي و پاكي است ؟

مردم عموماًخدا را خيلي دوست دارند ، دين را هم خيلي دوست دارند . آنها مي‌گويند « دين فقط به اندازه اي كه ما نماز بخوانيم و روزه بگيريم ، برايمان كم است » . يك چيز بيشتر مي‌خواهند ، يك كار بيشتر . مانند عرفان و رياضت و رسيدن به مقامات بالا .

يكي از دلايل هم اين است كه [ مدّعي ] خودش مي‌خواهد به مقامي دنيوي برسد ، ولي از اين راه وارد مي‌شود . با خود مي‌گويد : « اگر من چنين شوم ، مي‌گويند از عارفان است . سپس مريد پيدا مي‌كنم ، سپس به هدفم مي‌رسم . »

يعني بعضي‌ها دنبال شهرتند ؟

نه فقط شهرت ، بلكه قدرت .

از كجا بدانيم دين و مذهب چه مي‌گويد ؟

بعضي‌ها مي‌گويند به خاطر اين است كه درايران ، دين ، تريبون رسمي ندارد . يعني يك متوّلي و مرجع رسمي نداريم كه درست و غلط را تعيين كند و هر كس چيزي مي‌گويد . نظر شما چيست ؟

چرا داريم . « مشهور عقايد شيعه » مشخص است . ملاك تعيين درست و

--------------------------- 51 ---------------------------

غلط ، مرجعيت است .

ظاهراً اكنون ، عقايد مشهور ، يعني عقايدي كه در رسانه‌هاي رسمي بيان مي‌شود . آيا اينها ملاكند ؟ يا منظور شما عقايد مشهور در گذشته است ؟

خير . منظور از مشهور ، يعني آن چه كه در فقه شيعه و ميان علماي شيعه ، « شهرتِ فتوايي » داشته باشد . نه اين مشهورِ تبليغاتي . « مشهورِ فتوايي » داريم ، « مشهورِ روايي » داريم ، « مشهورٌ بين الخاصه » داريم ، « مشهورٌ بين العامه » داريم . انواع مشهورات داريم .

اين كه من گفتم « مشهور عقايد شيعه » ، يعني مشهور نزد متكلّمين و علما و مراجع شيعه . مشهور متخصّصان و مراجع و متديّنان به معناي اخص . از اين جاست كه مي‌فهميم اين جزو تشيع هست يا نيست .

در اين زمينه هركس بايد به مرجع اعلم رجوع كند ، به مرجع ديني خودش كه نظرش در عقايد ، بيانگر نظر مشهور شيعه باشد .

\* \* \*

--------------------------- 52 ---------------------------

اظهارات غير علمي در مورد مهدويت

الف . اصلاح‌سازي‌هاي غيرعلمي

« ظهور صغري » ؟ !

نظر شما راجع به جعل اصطلاحات مفاهيم مختلف در زمينه مباحث مهدويت چيست ؟ اصطلاحات و مفاهيمي چون « قواعد ظهور » ، « ظهور صغري » ، « انواع آمادگي براي ظهور » و . . .

اينها علمي نيست .

اصلاً اين اصطلاح « ظهور صغري » اشكال قواعد هم دارد ، ظهور مذكر است و صغري مؤنث !

بله ، تركيبش هم غلط است . مي‌دانيد چيست . ما روايتي داريم كه مي‌گويد « يَظهرُ في شبهة لِيَستَبينَ اَمرَه » يعني امام ، پس از آمدن سفياني و يماني ، ظاهر مي‌شود ، به ايران و عراق مي‌آيد و يارانش را مي‌بيند . در اين دوره شش ماهه ، سخنگوي رسمي او يماني است . نام ظهور اصغر در روايات نيامده ،

--------------------------- 53 ---------------------------

ولي برخي نام اين شش ماه را « الظهور الاصغر » گذاشته‌اند . اينها هم اين اصطلاح را از اين جا گرفته‌اند .

اين روايت صحيح است ؟

روايتي معروف است ، شايد صحيح باشد ، چون با منطق ساير روايات تناسب دارد . مي‌گويد امام ميان مردم هست ولي ظاهر نشده و شايعاتي درباره او هست . دوره اي است كه زمينه‌ساز ظهور است . ظاهراً از اين روايت سوءاستفاده كرده‌اند و ظهور صغري را ساخته‌اند .

« قواعد ظهور » يا محاسبه ظهور با رسم نمودار !

برخي مي‌گويند « قواعد ظهور » با نشانه‌هاي ظهور تفاوت دارد . مثلاً مي‌توان قواعد ظهور را از روايات استخراج كرد .

اصلاً اين گوينده خودش مي‌تواند ميان قواعد ظهور و علايم ظهور تميز كند ؟ خب بفرماييد با روش علمي استخراج كنيد و به ما بگوييد تا ببينيم ! اصلاً معلوم نيست روايت را بفهمند !

مي‌گويند مي‌توانيم نمودار بكشيم و ظهور امام زمان عليه السلام را محاسبه كنيم .

خب يالا بياورد ! ابتدا يك كتاب علمي دربياورد ، روايات صحيحه درباره ظهور را استخراج كند و بگويد كه اين نكته از اين روايت مفهوم است و آن نكته از آن روايت ، بعد ، بدهد به دست مردم .

خدا وكيل است كه بعضي از اينها زبان عربي را هم نمي‌فهمند !

من ديدم در فيضيه ، بني صدر - رئيس جمهور سابق - سخنراني مي‌كرد . تفسير آيه « ولاتَقفُ ما ليسَ لك بِهِ علم » ، را مي‌گفت . اين آيه يعني دنبال

--------------------------- 54 ---------------------------

گمان و احتمال و ظن نرو ، دنبال چيزي كه به آن يقين نداري نرو . اما بني صدر مي‌گفت « ولاتَقِف ما ليسَ لك به علم ! » يعني اگر علم نداريد ، نايستيد ، برويد به جلو ! « لاتقفوا » را كرد « لاتقف » ، و يك مطلبي درست كرد و در فيضيه گفت . من نمي‌توانستم حرفي بزنم ، طلبه هم ماشاءالله ساكت بودند ! تقفوا از از « قَفي يَقفُو » و به معني پيروي است ، او آن را خواند لاتقِف كه يعني « توقف نكن » و تفسيرش كرد ! اينها هم از همين نوعند ، از نوعِ بني صدرند . [ در عربي‌داني ] بهتر از بني صدر نيستند .

اولين شرط اظهار نظر ، تسلّط بر زبان است

پس ارتباط اين سخنان با اصول اعتقادي شيعه چيست ؟

ببينيد ، اينها به زبان عربي تسلّط ندارند ، چه رسد به اين كه اصول اعتقادي را دريابند . من كه زبان مادري‌ام عربي است ، الآن نمي‌توانم بگويم اين مادّه قانون كه به زبان فارسي است ، مدلولش فلان چيز است . من ابتدا بايد به زبان فارسي مسلّط باشم ، يعني زبان فارسي ، يا بايد زبان مادري‌ام باشد ، يا لااقل زبان خاله‌ام باشد !

« اجتهاد » در علوم انساني و در متون و نصوص ، يعني اين كه انسان بايد در زبان فارسي يا عربي يا . . . آن قدر قدرتمند باشد كه بفهمد خصوصيات زبان چيست و مثلا اين در زبان عربي بر فلان چيز دلالت مي‌كند و بر چيز ديگر دلالت نمي‌كند . اگر كسي در اين زبان متخصص نيست ، نمي‌تواند خودش « استظهار » كند . بايد رجوع كند به يك عرب و مثلا بگويد اي دبير دبيرستان ! در عربي منظور از اين عبارت چيست ؟ عرب‌ها از اين عبارت چه مي‌فهمند ؟ سپس از او تقليد كند .

و لذا من معتقدم كه خيلي از اينها كه دم از نظريه پردازي مي‌زنند ، خودشان متن عربي را نمي‌فهمند . نه آيه را فهميده‌اند ، نه متن روايت را فهميده‌اند .

--------------------------- 55 ---------------------------

وقتي كه زبان عربي مسلط نيستند ، نه مي‌توانند استظهار كنند ، نه مي‌توانند اجتهاد كنند .

\* \* \*

ب . اعتقاد به نزديكي ظهور با توقيت فرق دارد

مباحث ظهور و نزديكي ظهور چه ؟ اصل اعتقاد ظهور نزد شيعه چيست ؟ آنچه در احاديث و روايت متقن ما آمده چيست و چارچوب كلي آن چيست ؟ به تازگي اين گونه مباحث به صورتي عاميانه و البته با تبليغ وسيع در جامعه ترويج مي‌شود . آسيب آن چيست و چقدر به اصل اعتقادي تشيع نزديك است ؟

ظهور ، شايد دوهزار سال ديگر باشد ، شايد يك سال ديگر . اما اعتقاد درست به نزديك بودن ظهور ، يعني اين كه من اعتقاد داشته باشم ، اميد داشته باشم ، كه احتمال ظهور در سال‌هاي نزديك هست ، و با در نظر گرفتن اين احتمال ، رفتار كنم و زندگي كنم .

نزديك بودن ظهور ، مانند نزديك بودن مرگ است

اگر دائم با اين احتمال زندگي كنيم ، زندگي‌مان تعطيل نمي‌شود ؟ نمي‌گوييم خب امام زمان مي‌آيد و كارها را درست مي‌كند ، پس نيازي به كار و تلاش ما نيست ؟

« اميد » با « توقيت » [ = تعيين وقت ] تفاوت دارد . اعتقاد به نزديكي ظهور ، مانند اعتقاد به قيامت است . بايد باور داشت كه آخرت ، نزديك است ؛ مرگ ، نزديك است . و بر اساس اين باور بايد زندگي كرد .

--------------------------- 56 ---------------------------

مي‌شود بيشتر توضيح دهيد .

روايت است كه « اِعمَل لِدُنياك كأنّك تَعيشُ اَبَدا ، وَ اعمَل لِآخِرَتِك كأنّك تَموتُ غَدا » ، « براي دنيايت طوري كار كن كه گويي تا ابد زندگي خواهي كرد ، و براي آخرتت طوري كار كن كه گويي فردا خواهي مُرد . » طوري كار كن كه انگار فردا قرار است بميري .

اعتقاد ما به امام مهدي عليه السلام به گونه اي است كه انگار فردا مي‌خواهد بيايد . در عين حال ، اين به معناي تعيين وقت هم نيست . همان گونه كه فعاليت با توجه به احتمال نزديكي مرگ يا آخرت ، به معناي توقيت مرگ يا توقيت قيامت نيست .

تطبيق روايات بر شخصيت‌هاي معاصر : اگر تطبيق منجر به توقيت شود ، حرام است

پرسش بعدي ما درباره تأويل نشانه‌ها و تطبيق روايات است . يعني مطابقت دادنِ افراد ذكر شده در احاديث بر افراد معاصر . اين نيز از آسيب‌هايي است كه اكنون بسيار زياد شده است ويكي از مستندات مدعيان براي اين تطبيق‌ها ، كتاب شماست . نظر شما در اين باره چيست ؟

ما براي تطبيق ، قاعده داريم . تطبيق نبايد منجر به توقيت شود . زيرا توقيت ، حرام است . وقتي كسي مي‌گويد : « فلاني خراساني است » يعني چه ؟ يعني امام زمان مي‌بايست در طول حيات فلاني ظهور كند . چون « خراساني » ، حتماً همزمان با ظهور امام مهدي خواهد بود . پس وقتي مي‌گوييم فلان آقا خراساني است و قرار است پرچم را به دست امام زمان بدهد ، اين توقيت است .

خب شايد فلان آقا هم هزار سال عمر كرد .

[ با خنده ] نه . . . اين طبيعي نيست . چنين چيزي نداريم . تطبيقاتي كه موجب توقيت شود ، « مَنهيٌ عَنه » ( نهي شده و ممنوع ) است .

--------------------------- 57 ---------------------------

پس هيچ يك از اطلاعاتي كه شما در كتاب عصر ظهور داده‌ايد ، توقيت نيست ؟

خير . هر تطبيقي توقيت نيست . مثلا روايت داريم كه در عراق ، « صاحب السفياني » ، يعني يار سفياني ، ظاهر مي‌شود و چنين و چنان مي‌كند . سر هر شيعه علي بن ابي طالب را به هزار درهم مي‌خرد . اما اين نكته كه فاصله يار سفياني با خود سفياني و با امام زمان چقدر است ، نمي‌دانيم . پس تطبيق او توقيت نيست .

يعني تطبيق شخصيت‌هايي كه در روايات آمده است كه ظهور امام را در مي‌يابند و زمان زندگيشان به هنگام ظهور مي‌رسد ، توقيت ظهور است و حرام مي‌باشد ، ولي تطبيق نشانه‌هاي كلي دوران ظهور ، كه فاصله‌اش با ظهور امام معلوم نيست ، توقيت نيست .

بله . همين طور است . حتي شخصيت‌هايي هم كه فاصله‌شان با ظهور امام زمان مشخص نيست [ مثل همان يار سفياني ] ، تطبيق‌شان توقيت نيست و اگر دليل قطعي وجود داشته باشد ، اشكال ندارد . ولي تطبيقي كه منجر به توقيت شود ، اشكال دارد .

به كارگيري علوم غريبه و تأويل و نجوم براي محاسبه زمان ظهور

يك نكته ديگر : گاهي مي‌بينيم كه مي‌گويند فلاني همان يماني است ، در حالي كه او نه اهل يمن است ، نه كاري به يمن دارد ؛ يا مي‌گويند فلاني شعيب بن صالح است ، در حالي كه نه نام خودش شعيب است ، نه نام پدرش صالح ؛ يا روايت داريم كه فلان شخص ، يك چشم خواهد بود ، اماروايت را بر كسي كه دو چشم سالم دارد منطبق مي‌شمارند و روايت را تأويل مي‌كنند . اين را چه مي‌فرماييد .

اين بازي است . يعني گمان و احتمال است .

--------------------------- 58 ---------------------------

يا مثلا مي‌گويند حساب كرده‌ايم و با حساب اَبجَد و جُمَّل و چه و چه به اين مطالب رسيده‌ايم . مثل آقاي فلان كه كتاب نوشته و در اينترنت منتشر كرده و مي‌گويد امام در سال 2015 ظاهر مي‌شود و غيره و غيره .

به اينها مي‌گوييم ما نمي‌توانيم اعتقادات خود را بر پايه گمان و احتمال بگذاريم . اين حساب اعداد و حساب حروف و جمّل و يا فلك يا نجوم و مانند آن ، همه - حداكثر - موجب احتمال است . بيشتر از احتمال نيست .

آخر مي‌گويند در گذشته ، برخي علماي بزرگ ، اهل اين علوم غريبه بوده‌اند .

شما ائمه را بگوييد . ما پيرو پيغمبر و امامان معصوم هستيم . يك روايت از امام معصوم بياوريد كه به اين چيزها اعتماد كرده‌اند . به كار منجّمان و كارهاي احتمالي ، كار نداريم .

پس اين همه علما ، مانند شيخ بهايي ، سيد بن طاووس و . . . كه به علوم غريبه پرداخته‌اند ، اينها چه ؟

بله ، امور زيادي را به آنان نسبت داده‌اند ، ولي ظاهراً چيزي ثابت نشده . اما حتي اگر بخش‌هايي از آن درست باشد ، باعث نمي‌شود بگوييم « تنجيم » درست است . و اين نه موجب صحيح دانستن توقيت مي‌شود ، نه جواز توقيت . اگر هم ديديم عالمي به تنجيم و حسابات اعتماد مي‌كند ، به او مي‌گوييم : « كذَبَ المنجّمون ولو صدقوا » ، « منجّمان دروغ مي‌گويند ، حتي اگر سخنشان راست درآيد . » اميرالمؤمنين عليه السلام مي‌خواست به جنگ برود . منجّمي گفت : « يا اميرالمومنين شكست خواهي خورد ، حركت نكن » . امّا اميرالمؤمنين گفت حركت مي‌كنم وطوري نمي‌شود . و رفت و بر خوارج پيروز شد . ( 1 )

< هامش >

( 1 ) . ر . ك : روضة المتقين ، ج 4 ، ص 197 .

< / هامش >

--------------------------- 59 ---------------------------

نظرتان درباره بيان كرامات و منامات ( خواب و رؤياها ) چيست ؟

اينها هم بيشتر از احتمال و گمان نيست . ما نمي‌توانيم امور و دين و اعتقاداتمان را بر پايه گمان بنا كنيم .

عقل و عواطف در دينداري

دليل ترويج اينها را چه مي‌دانيد ؟

خب مردم به دنبال اينها هستند . در برنامه‌هاي تلويزيوني ، دائم عده اي تماس مي‌گيرند و فشار مي‌آورند كه يك چنين چيزي براي من دربياورند و بگويند . از خودشان ، از سر ناخوشي يا هوس .

آيا جامعه ما از عقلانيت ديني فاصله نگرفته ؟

[ با خنده ] جامعه ، از اول ، از عقلانيت فاصله داشته ! نه تنها جامعه ما ؛ مردم جهان عموماً همين گونه‌اند .

خب آيا اين فاصله بيشتر نشده ؟ نسبت به برخي دوره‌هاي تاريخي ديگر ؟

متفاوت است . مابايد عقلانيت جامعه را تقويت كنيم . مگر در كل دنيا چقدر آدم باعقل هست ؟ در ميان مُتديّنان چقدر هست ؟ دين داريِ متديّنان معمولاً با عاطفه است . متديناني كه عقل دارند ، كم هستند . اگر يك دهمشان عقلاني كامل باشند ، خيلي خوب است .

اصلاً مگر عاطفه و دينداري عاطفي بد است ؟

عاطفه خوب است ، ولي عاطفي محض بد است . عاطفيِ مستند به عقل ، خيلي هم خوب است .

--------------------------- 60 ---------------------------

البته تديّن عاطفي و بدون عقل هم خوب است ، اما وقتي به دو راهي مي‌رسد ، رسوا و منكشف مي‌شود . مثلا انصار پيامبر ، با اين همه حماسه ، همين كه به حنين و تقسيم غنايم رسيدند ، گفتند « رسول الله عشيره‌اش را پيدا كرد و ما را فراموش كرد ! » خب اين چه ايماني است ؟ اينها شهيد داده بودند ، اما تدينشان عاطفي بود .

مگر نمي‌گويند « ما الدين الا الحب و البغض » ( دين به دوست داشتن و دشمن داشتن است ) ؟

خب باشد . ولي گاهي به دو راهي مي‌رسد . حب و بغض اگر مستند به عقل باشد ، اگر شخص با پاي عقل به اين حب و بغض رسيده باشد ، اين مطلوب است .

عاقل بودن در اين جا يعني چه ؟

يعني مثلاً وقتي مي‌دانم اگر كاري را انجام دهم ، به بهشت مي‌روم ، پس با اصرار آن را رعايت كنم . اين عقل است .

عقل آن است كه من را به بهشت جاويد مي‌رساند . اگر از من كاري بخواهند ، اگر مرا به انجام كاري مجبور كنند ، ولي بدانم اين كار من رابه جهنم مي‌برد ، با منطق مقابلش مي‌آيستم و مي‌آيستم و زير بار نمي‌روم ، تا وقتي كه بميرم . اين عقل است .

از امام صادق عليه السلام پرسيدند آيا معاويه عقل داشت ؟ فرمود « چيزي شبيه عقل داشت كه عقل نبود . زرنگي بود . » معاويه چهل سال زحمت كشيد ، آخرش حكومت را داد به دست پسري نادان كه آن را تار و مار كرد و بني سفيان را بدنام كرد . اين عاقلانه نبود . از امام صادق پرسيدند اين چه بود در معاويه ؟ گفت اين شبيه عقل بود [ زرنگي بود ] ، ولي عقل نبود . « العقلُ ما عُبِدَ بِهِ الرّحمن و كسِب بِه الجَنان » . عقل چيزي است كه انسان را عاقبت به خير مي‌كند . ( 1 )

< هامش >

( 1 ) . كتاب الكافى ، فصل اول ( كتاب العقل والجهل ) ، حديث 3 .

< / هامش >

--------------------------- 61 ---------------------------

ج . زمينه‌سازي ظهور

دعاي فرج ، براي گشايش كارهاي خودمان است

سؤال ديگر ما درباره زمينه‌سازي ظهور امام زمان است . آيا ما مي‌توانيم كاري كنيم كه ظهور امام زمان جلو بيفتد ؟

رواياتي داريم كه در آن ، دعا براي تعجيل الفرج آمده [ و سفارش شده ] . اين نشان مي‌دهد كه ظهور امام زمان متحرك است ، قابل تعجيل و غيرتعجيل است . چيزي كه از روايات مي‌فهميم اين است كه قابل تعجيل است . پس اگر ما دعا كرديم ، مؤثر است .

از يك جهت هم آمده « ادعوا له بالفرج فإنّ في ذلك فرجكم » يعني براي تعجيل فرج دعا كنيد ، چون فرج شما در اين دعاست . تأثيرش در ارتباط شما با امام است ؛ در اميد بيشتر است ؛ تا از حالت يأس خارج شويد . اين [ دعا براي تعجيلِ فرج ] براي خودتان ، اميد است .

آيا دعا براي ظهور امام ، اثري دارد ؟

ممكن است ظهور امام - سلام الله عليه - مثل عمرِ انسان باشد ؛ [ براي انسان ] عمر محتوم و عمر مخروم داريم . مثلاً فلاني [ قرار است ] 70 سال عمر داشته باشد ، ولي اگر صله رحم كرد 75 سال عمر مي‌كند . ممكن است [ در مورد ] امام زمان هم ، نقشه‌اي براي ظهورش باشد ، ولي اگر مؤمنين براي تعجيل ظهورش دعا كردند ، به تقريب نزديك‌تر شود .

اين را از كجا مي‌فهميد ؟ از كجا مي‌آوريد ؟

روايتي داريم كه [ در زمان حضرت موسي ] مردم بني اسرائيل دعا كردند و خدا

--------------------------- 62 ---------------------------

وقت [ آمدن ] حضرت موسي را تقديم كرد / جلو انداخت . پس از غيابش . مي‌شود ؛ امكانش هست [ كه در مورد امام مهدي هم همين طور باشد ] . ولي آيا واقعاً مسئله اين گونه است ؟ من در جواب آن متوقّفم ( نظري ندارم ) .

يعني چه ؟

يعني الان دويست سيصد ميليون شيعه در جهان هست ، اگر همه شان دعا كردند ، مثلاً اگر در علم خدا بود كه ظهور امام زمان ، صد سال ديگر باشد ، اگر همه‌شان مثلاً يك سال دعا كردند ، خدا آن را پنجاه سال مي‌كند ؟ من نمي‌دانم . من در اين موضوع متوقّفم .

پس فايده دعاي فرج چيست ؟

قطعاً قطعاً براي خود ما فايده دارد .

پس فايده اش براي خودمان است ، و در اين كه فايده اش براي جلو افتادن ظهور هم هست ، متوقفيد .

بله .

آيا امام زمان به دليل نداشتن يار ظهور نمي‌كند ؟

يك سوال ديگر : بسيار تبليغ مي‌كنند كه امام زمان ظهور نمي‌كند زيرا 313 يار صادق ندارد .

اين هم غيرمنطقي است . در مقابل [ اين فكر ] ، روايت داريم كه اصحاب امام مهدي براي او محفوظند ، حتي اگر كل بشر [ از بين ] رفتند ، اينها هستند . « محفوظةٌ لهُ اصحابُهُ حَتّي لَو هَلَك النّاسُ جَميعاً » . خب اين يعني چه ؟

--------------------------- 63 ---------------------------

يعني كار اصحاب امام زمان با خداست . از كارهاي ما نيست . خدا ، مسئله به اصطلاح ، كادرها و كابينه امام زمان را حل مي‌كند . مشكل رسولان با اصحابشان بوده است ، با نيروي انساني است . اصلش با دور و بَري هاي آنهاست . اصل مشكلات رسول‌ها ، اصحابشان است و اين را خدا براي امام زمان حل مي‌كند .

بعضي‌ها مي‌گويند مشكل ما هستيم . اين كه امام زمان نمي‌آيد ، ما مقصّريم . گناهان ما ، حجابِ ظهور امام زمان است .

نه ، الآن واقعاً اگر امام زمان آمد ، ميليون‌ها نفر هستند كه مخلصانه حاضرند خود را فدا كنند ، جان بدهند .

نه ديگر ! مي‌گويند اين مانندِ همان حكايت يار امام صادق عليه السلام است كه حاضر نشد داخل تنور برود . يعني مدّعي زياد و مخلص كم است .

من يقين دارم اگر الآن امام زمان ظاهر شود ، اقلاً يك ميليون فدايي حاضرند جانشان را برايش بدهند .

خب اين را شما مي‌فرماييد . آيا حديثي هم هست كه اين را تأييد كند ؟ مي‌خواهم بدانم اين فكر از كجاست ؟ اين فكري كه مي‌گويد « ما » در غيبتش مقصّريم و در ظهورش مؤثريم . اين از كجا آمده ؟ آيا درست نيست ؟

هيچ ! حرف است ! اصلي ندارد .

حرف شما اصلش چيست ؟

اصلش قرار خداست ؛ از وقتي كه خدا زمين را خلق كرد ، يك نقشه دارد : در يك مقطعِ به خصوصي مي‌خواهد ظلم را تمام كند و عدل را در جهان اظهار كند .

--------------------------- 64 ---------------------------

خب اين منافاتي با اين ندارد كه وابسته به وجود 313 نفر اصحاب باشد ؟

نه چنين چيزي نداريم . اصلاً چيزي كه ظهورش را به اينها ربطي دهد ، نداريم .

خب نمي‌توانيم بگوييم امام علي عليه السلام قيام نكرد چون يار كافي نداشت ، امام صادق عليه السلام قيام نكرد چون يار كافي نداشت ، پس شايد امام زمان عليه السلام هم قيام نمي‌كند چون واقعاً يار كافي ندارد ؟

ولي اينها هم مسؤول ياري او نيستند .

آيا بايد تلاش كنيم جزو ياران خاص امام باشيم ؟

يعني ما مسئول تكميل پرسنل امام زمان نيستيم ؟ !

ابداً . ابداً . ما مسئول نيستيم . بابا ، خدا به حضرت موسي گفت : « 70 نفر را انتخاب كن كه با هم براي برنامه‌اي به جبل الطور برويد ، مي‌خواهم شريعت بر شما نازل كنم . » نبي الله موسي از هفتصد هزار نفر ، ابتدا هفت هزار نفر انتخاب كرد ، [ سپس ] از هفت هزار ، هفتصد نفر و از هفتصد نفر ، هفتاد نفر انتخاب كرد . بُردشان آن‌جا ، همه شان منافق [ از آب ] درآمدند .

خب شايد انتخاب حضرت موسي عليه السلام اشتباه بوده .

خب وقتي كه پيغمبر در انتخابش اشتباه مي‌كند - اگر به دستور خدا و خلاف عصمت نباشد - يعني ما هم نمي‌توانيم انتخاب كنيم و مكلّف نيستيم . ولذا خدا خودش مي‌خواهد ياران امام زمان را انتخاب كند .

يعني ما وظيفه نداريم تلاش كنيم جزو 313 تن يار امام زمان باشيم ؟ !

ابداً ابداً ! يك نفر آمد گفت : حاج آقا شما نفر هجدهم هستيد ! گفتم :

--------------------------- 65 ---------------------------

چند نفريد ؟ گفت هفده نفريم . گفتم : كي انتخابشان كرده ؟ ! گفت : من انتخاب كرده‌ام ! گفتم : كي به شما گفته [ انتخاب كنيد ] ؟ گفت : خودم گفتم 313 نفر را جمع كنم ! گفتم كسي به شما دستور داده ؟ نه ! از خودش بود .

خودجوش بوده !

خيالاتي بوده ! گفتم برويد سر كارتان ! مشغول اين خيالات نباشيد .

آمادگي براي ظهور يعني چه ؟

پس بحث آمادگي براي ظهور چه مي‌شود ؟

آمادگيِ كلي ، بله . يعني ما حاضريم . بيشتر از اين از ما مطلوب نيست .

چه چيز از ما مطلوب است ؟

حاضر باشيم اگر امام آمد ، گوش كنيم ، اطاعت كنيم ؛ مطلق ، بدون قيد و شرط . والله اكنون هزارها و ميليون‌ها نفر حاضرند در راه امام زمان جان فدا كنند .

پس وظيفه ما در زمينه آمادگي براي ظهور چيست ؟

هيچ ! از اين نظر كه افراد را آماده كنيم يا حركت و حزب و جنبش و حكومتي درست كنيم ، هيچ چيز . هيچ مسؤوليتي نداريم .

زمينه‌سازي لزوماً خوب نيست ، گاهي كافران زمينه‌ساز ظهورند

پس « تمهيدِ ظهور » يعني چه ؟ « مُمَهِّد » يعني چه ؟ در زمان غيبت ، وظيفه نداريم از ممهّدين و زمينه‌سازان ظهور باشيم ؟

هيچ وظيفه‌اي ويژه زمان غيبت نداريم . يك حكم شرعي [ در اين باره ] پيدا

--------------------------- 66 ---------------------------

نمي‌كنيد . در زمان غيبت در تكاليف و احكام شرعي ، هيچ فرقي با زمان حضور و ظهور نيست . همان واجبات و محرّمات را بر حسب فتواي مرجع تقليد خودمان بايد عمل كنيم . تمام . اين خودش تمهيد است .

بابا جان ، ممهّد و زمينه‌ساز ، اعمّ است . شايد جريانات سياسي ، زمينه‌ساز باشد . فرعون ، زمينه‌ساز حضرت موسي بود . زمينه سازي اعم از اين است كه كار ايمانيِ مؤمن باشد يا كار كافر .

نداريم ؛ تكليفِ مخصوص زمان غيبت كه براي جذب امام يا اظهار امام ، چيزي را آماده كنيم ، نداريم .

پس شناخت امام زمان چه ؟

همين . در حد آگاهي . آگاهي ديني و سياسي و آگاهي از عقايد و احكام و طرح خدا درباره امام مهدي عليه السلام .

خب پس شما چرا اين همه تلاش مي‌كنيد و درباره امام زمان صحبت مي‌كنيد و كتاب مي‌نويسيد ؟

كه آگاهي مردم بالا برود . معرفت امام واجب است . اين واجب ، حد اَدني ( پايين‌تر ) دارد و حد بالاتر دارد . از طرف ديگر ، پاسخ شبهات ديگران هم هست .

پس اين كار خودتان را زمينه‌سازي براي ظهور امام زمان نمي‌دانيد ؟

به معناي كلّي چرا . از باب تبليغِ دين .

يعني براي كمك به امام زمان نيست ؟

[ با خنده ] كمك ؟ ! نه ، قصد كمك نداريم ! يك اميدي داريم كه كار ما در ظهورش مؤثر باشد ، يك اميدي . بيشتر از اين نيست .

--------------------------- 67 ---------------------------

چه فايده دارد كه شما اين حرف‌ها را بزنيد يا نه ؟

فايده‌اش اين است كه مردم بفهمند . پيامبر صلي الله عليه وآله و اهل بيت عليهم السلام را بشناسند . معرفت خدا و پيامبر و ائمه مهم است .

پس اين كار را به اين قصد انجام نمي‌دهيد كه كار ظهور امام زمان را آسان كنيد ؟ !

[ با خنده ] مگر دست من است ؟ ! دست ما نيست كه .

\* \* \*

د . آخرالزمان و فساد

قرن‌هاست كه زمين از فساد پر شده

يك خبيثي به نام تنّومه ، وكيلِ احمد الحسن البصري ( مدّعي مهدويت ) گفت كه من مي‌خواهم كاري كنم كه امام « مجبور » شود ظاهر شود ! چه كاري ؟ ! گفت يك منكرات و فسادي مي‌خواهم بكنم كه در دنيا نباشد ! رفت و يك ملعوني را براي خانمش آورد . خب اين چه طرز تفكري است ؟ مي‌خواهد زمين را از فساد پر كند كه امام مجبور شود ظاهر شود ! بابا براي كل زمين يك نقشه خدايي هست !

واقعاً كساني دنبال اين هستند كه با گناه كردن امام زمان را بياورند ؟

بله هستند .

شما چه جوابي به اينها مي‌دهيد ؟ اشتباهشان در چيست ؟ درست است كه جهنم را براي خودشان مي‌خرند ، اما يعني به نتيجه هم نمي‌رسند ؟ !

--------------------------- 68 ---------------------------

اينها مي‌خواهند زمين را از فساد « پُر » كند . چون حديث داريم كه امام مهدي « زمين را از عدل پر خواهد كرد ، چنان چه از فساد پر بوده است » . ما به اينها مي‌گوييم مطمئن باشيد كه زمين پر شده است ! سراسر دنيا پر از ظلم و فساد شده است .

پس منظور اين حديث چيست ؟

[ مي‌گويد ] همانطور كه پر از ظلم بوده ، [ اين بار ] از عدل پر مي‌شود .

بيش از هزار سال است كه زمين پر از ظلم شده . در قرآن آمده كه « ظهر الفسادُ في البرّ و البحر بما كسبت ايدي الناس » ، يعني از زمان قرآن ، زمين و دريا پر از فساد بوده . الآن كه هوا ( آسمان ) هم پر شده ! [ با خنده ] .

پيامبر ما ، پيامبرِ آخرالزمان است

پس اين كه مي‌گويند آخرالزمان فساد زمين را مي‌گيرد چيست ؟ قرار نيست در آخرالزمان فساد عجيب و غريب و خاصي پيدا شود كه پيش از آن پيدا نشده ؟

هر مدتي يك نوع جديد از فساد مي‌آيد . ظاهراً [ روايتي به اين مضمون ] داريم كه هر چه مردم به مَعاصيِ جديد ابتكار كنند ، امراضي هم ظاهر مي‌شود كه پيش از آن نبوده است . ( 1 )

يعني هر وقت گناهان جديد به وجود بيايد ، بيماري‌ها و مشكلات جديدي هم به وجود مي‌آيد ؟

بله . اين قانوني براي مجازات است .

< هامش >

( 1 ) . ر . ك : كتاب الكافى ، ج 2 ، ص 275 .

< / هامش >

--------------------------- 69 ---------------------------

خب ربطِ اين به آخرالزمان چيست ؟ قرار نيست در آخرالزمان گناه بيشتر شود و شرايط حفظ ايمان سخت‌تر شود ؟

الآن هم سخت است .

اين رواياتي كه مي‌گويند حفظ ايمان در آخرالزمان مثل نگه داشتن آتش گداخته در دست است ؟

الآن هم همين طور است .

يعني مي‌گوييد چيز جديدي نيست ؟ از زمان ائمه عليه السلام هم همين طور بوده ؟

حتي شايد بعضي وقت‌ها و دوره‌هاي گذشته سخت‌تر [ از امروز ] هم بوده .

يعني نمي‌توانيم بگوييم هر چه گذشته است سخت‌تر هم شده ؟

نه ، چنين چيزي نداريم . روايات نشان مي‌دهد كه دو جريان داريم : بخشي از مردم جهان ، خطي رو به پايين [ سرازيري ] هستند . اهل فساد و منكرات و اينها هستند . در عين حال ، ستايشِ مؤمنين آخرالزمان هم زياد شده است . دلالت بر اين است كه اينها جرياني در جامعه هستند .

يعني كلّ جامعه ، در طول زمان ، به سمت فساد بيشتر نمي‌رود ؟

نه . نمي‌توانيم بگوييم .

پس اصلاً آخر الزمان يعني چه ؟

آخرالزمان نسبي است . پيامبر صلي الله عليه وآله ، پيامبر آخر الزمان است . از زمان پيامبر تا آخرِ دنيا ، اسمش آخرالزمان است . عبارت « نبيُّ آخر الزمان » و « بُعِثتُ في آخرالزمان » هم همين است . آخر الزمان نسبي است ، از زمان پيغمبر تا روز قيامت است . آخرالزمان خودش يك دوره بسيار طولاني است .

--------------------------- 70 ---------------------------

و اين دوره چه ويژگي‌اي دارد ؟

در مجموع ، فسادش بيشتر از پيش از آن است . مردم كلاً از خدا دور تر مي‌شوند .

حديثي در اين باره داريم ؟

حديثي داريم كه سلمان فارسي از پيغمبر پرسيد كه امام مهدي كي ظاهر مي‌شود ؟ پاسخ دادند وقتي كه چنين شود و چنان شود . تمام اين فسادهايي كه پيغمبر به سلمان فارسي گفت كه ظاهر خواهد شد ، از قرن اوّل محقق شده است . خب يعني تمام شده است [ آخرالزمان از همان هنگام شروع شده است ] . « صارتِ المعروفُ منكراً و المنكرُ معروفاً » خوبي ، بد مي‌شود و بدي ، خوب مي‌شود . . .

خب وقتي اينها از قرن اول بوده ، شايد بعد از اين هم مثلا دوهزار سال ديگر هم طول بكشد ؟

شايد . ممكن است .

يعني همانطور كه پيغمبر ، پيغمبر آخرالزمان است ، امام مهدي هم ، امامِ آخرالزمان است ؟

بله .

پس ما اين وسط چه كاره ايم ؟ !

[ با خنده ] ما هم اهل آخرالزمانيم ! شايد قرن‌ها طول بكشد . ما كلاً اهل آخرالزمانيم .

\* \* \*

--------------------------- 71 ---------------------------

كتاب عصر ظهور و ديگر آثار مهدوي

فعاليت‌هاي آيت الله كوراني عاملي در زمينه مهدويت

شما آثار مهدوي خود مانند « عصر الظهور » و « معجم أحاديث الإمام المهدي عليه السلام » را در اوايل انقلاب اسلامي ايران نوشته ايد . آن زمان چه دغدغه‌اي باعث شد شما دست به قلم ببريد و اين آثار را به جامعه ارائه كنيد ؟

فعاليت من درباره مهدويت ، منحصر به آن سال‌ها نبود . در سال 2006 « المعجم الموضوعي ( دانشنامه امام مهدي ) » ، و چند ماه پيش « دجال البصره » را - درباره مهديان دروغين در عراق بعد از صدّام - نوشتم . به علاوه برنامه‌ها و سخنراني‌هايي در ايران و كشورهاي عربي و اروپايي داشته‌ام .

اين تصور كه تأكيد من بر مهدويت ، مختص به اوايل انقلاب و بعد از آمدن به ايران بوده ، درست نيست .

انقلاب ايران همان تغيير موعود است ، حتي اگر كاملاً بر حق نباشد

اما درباره ايران بايد بگويم ، اساساً از نظر ما ، انقلاب اسلامي ايران ، ارزش‌هايي اساسي دارد . زيرا زمينه‌ساز امام مهدي - صلوات الله عليه - است . احاديث اهل بيت عليهم السلام ،

--------------------------- 72 ---------------------------

قومي را به تصوير مي‌كشد كه از مشرق قيام مي‌كنند ونخستين زمينه‌سازان هستند . از اين رو ، من به عنوان يك معتقد به تشيع و معتقد به اين احاديث ، اين ديدگاه را دارم ، كه انقلاب اسلامي ايران ، تغيير زمينه‌ساز براي امام عليه السلام است .

عموم شيعيان متديّن در جهان نيز ، به طور كلي ، اين ديدگاه را نسبت به انقلاب اسلامي ايران دارند . خوب است ايرانيان بدانند كه شيعيان جهان ، به انقلاب و جنبش آنان ، به ديد جنبشي موعود [ = پيش‌گويي شده ] و زمينه‌ساز براي امام عليه السلام مي‌نگرند .

البته معني اين سخن آن نيست كه هر چه در انقلاب رخ داده صحيح است و همه كساني كه در آن نقش داشته‌اند بر حق بوده و فرشته‌اند . مسئله اين است كه اين حركت ، موعود ، و فراهم‌كننده زمينه ظهور است . يعني جريانات زمينه‌ساز ظهور امام عليه السلام با اين جنبش آغاز مي‌شود .

در روايات شيعه آمده است كه « امرِ » امام از مشرق آغاز مي‌شود ، در روايات سنّي آمده است كه او خودش از مشرق آغاز مي‌كند ، يعني از مشرق مي‌آيد . پس ارزش انقلاب اسلامي به اين است كه زمينه‌ساز ظهور امام عليه السلام است . از نظر شيعيان دين‌دار ، اين گونه است .

اكنون وعده‌هايي تحقّق يافته كه پيش از اين سابقه نداشته است

پيش از اين هم شيعيان در ايران فعاليت‌هايي داشته‌اند . وقتي هم كه حكومت صفويه تشكيل شد اين تصوّر بود كه امام به زودي ظهور مي‌كند .

بله ، در آن روزگار هم اميدوار بودند كه امام عليه السلام ظهور كند . اما نشانه هايي كه در احاديث آمده ، به اين روشني رخ نداده بود . اكنون مسئله روشن‌تر است . نشانه‌هايي رخ داده كه در تاريخ بي‌مانند است ؛ مانند قدرت يهود . قبلاً اين چنين نبوده .

--------------------------- 73 ---------------------------

بيشتر توضيح دهيد .

در توصيف نشانه‌هاي ظهور آمده است كه ميان مسلمانان و يهوديان ، جنگ خواهد بود . اين در صورتي ممكن است كه يهوديان داراي دولت و صاحب قدرت باشند . و اين امري است كه در روزگار صفوي وجود نداشته .

از اين روست كه مي‌گوييم در روزگار صفويان اشتباه كرده‌اند و نشانه‌هاي موعود با روزگار ما بيشتر انطباق دارد ، بيشتر به اوضاع كنوني مي‌خورد . بله ، ممكن است كه ما هم در اشتباه باشيم . با آن كه احتمال اشتباه ما كم است . ولي حتي اگر در اشتباه باشيم ، ضرر نكرده‌ايم .

ضررش اين نيست كه اين همه مدّعي دروغين پيدا مي‌شود ؟

مدعيان دروغين ، بوده و هستند . دليل پيدايش آن ها ، اميدواري نيست . بلكه دلايل ديگري دارد كه يكي از آنها عرفان كاذب است . اميدواري به ظهور امام ، ضرري ندارد . ضرر - همانطور كه گفتيم - از عرفان كاذب و غلو در مورد اشخاص و دزديدن اوصاف معصومان براي اشخاص است .

\* \* \*

نقاط ضعف اغلب آثار مهدوي

آثار و مطالعات اخير درباره مهدويت چه اشكالاتي دارند ؟ بايد مراقب چه جهاتي در آنها بود ؟

نقطه‌هاي ضعف زيادي دارند . نخست آن كه اعتمادشان به روايات غيرصحيح است . دوم آن كه استنباط و اجتهادشان ضعيف است . ديگر آن كه

--------------------------- 74 ---------------------------

روزنامه‌اي [ = ژورناليستي ] مي‌نويسند ، نه علمي [ = پژوهشي ] مانند فقه و قانون .

يعني چه ؟

براي مردم عامي مي‌نويسند . سخنراني [ = خطابه ] هستند . حرف علمي ندارند .

مگر سخنراني اشكالي دارد ؟

مثلاً مي‌بينيد كه كتابي ضخيم و سيصد صفحه اي ، مواد علمي‌اش بيست صفحه است .

يعني انشا وتكرارشان زياد است ؟

انشا زياد است ؛ از اين گذشته ، بعضي‌هايش عوامانه است ، چرت وپرت دارد ؛ بعضي‌ها خارج از موضوع است ؛ بعضي‌ها روايات ضعيف آورده و زياد حرف مي‌زند ، بعضي‌ها بازي مي‌كند و . . . انواعش هست .

خب يك خواننده معمولي ، يا خواننده اي كم و بيش باسواد ولي غير متخصص ، كه به بازار رفته و مي‌خواهد كتاب بخرد ، بايد مواظب چه جوانبي باشد ؟ كسي كه اين كتاب‌ها را مي‌بيند و مي‌خواهد بخواند ، چه بايد كند ؟ يا در منبرها و سخنراني‌ها ، از مجالس كوچك خانگي تا مجالس بزرگ . يك مخاطب عام ، با اين همه محصولات مختلف درمورد مهدويت چه كار كند ؟

بايد پرس‌وجو كند و ببيند بهترين آثاري كه دراين باره نوشته‌اند و واقعاً محقّقانه و واقعاً علمي است ، كار چه كساني است و كتاب‌هاي آنها را بخرد . و گرنه همه نوع كتابي در بازار هست . به نظر من روش عصر ظهور خوب است ، اما خود عصر ظهور هم يك تهذيب و ويرايشي مي‌خواهد .

\* \* \*

--------------------------- 75 ---------------------------

انگيزه تأليف كتاب عصر ظهور

علاقه من به مهدويت ، به دوران نوجواني برمي گردد

گرايش خاص شما به ويژه در كتاب عصر ظهور زمينه قبلي هم داشت ؟ به عبارت ديگر آثار ديگري مثل اثر شما با اين رويكرد وارد عرصه مهدويت شده بود يا كار شما ابتكاري بود ؟

من خود ، كتابي به اين شكل نديده بودم . من از نوجواني [ حدود 20 سال پيش از انقلاب ايران ] به بحث امام مهدي - سلام الله عليه - اهتمام داشتم . درباره آن پرس‌وجو مي‌كردم ، كتاب مي‌خواندم ، مي‌انديشيدم و در فكر آن سر مي‌كردم .

يادم است يك بار تقريباً 15 ساله بودم ، مي‌خواستم احاديث مربوط به امام مهدي عليه السلام را در « بِحار » بخوانم . كليد كتابخانه‌هاي عمومى در نجف را گرفتم و تا اذان صبح نشستم و احاديث مربوط به امام مهدي عليه السلام را - كه فدايش شوم - خواندم . هر كتابي درباره امام مهدي پيدا مي‌كردم ، مي‌خواندم و به آن اهتمام داشتم .

فهم اسلام و برنامه خدا براي بشر ، بدون فهم مهدويت ، ناقص است

چرا تا اين حد به مسئله امام مهدي عليه السلام اهميت مي‌دهيد ؟

اساساً امام مهدي عليه السلام بخشي از باور هر انسان مسلماني است . زيرا دين اسلام ، به عنوان برنامه‌اي الهي ، بدون امام مهدي عليه السلام فهميده نمي‌شود .

چطور ؟

زيرا اسلام ، بدون مهدي عليه السلام ناقص است .

آيا عاقلانه است كه خدا قرن‌ها پيامبر بفرستد ، و وقتي آخرين پيامبر ، رسالتش

--------------------------- 76 ---------------------------

را به جا آورد و از دنيا رفت ، بر سر جانشيني‌اش ميان قبيله‌هاي قريش اختلاف بيفتد ، ابوبكر و عمر و علي عليه السلام ، چند سالي حكومت كند ، سپس حكومتش به دست امويان و عباسيان و عثمانيان دست به دست شود و سرانجام در استانبول دفن شود و غربيان آن را بگيرند ؟ اين برنامه اسلام نيست . اسلام ، دين خداست و ( طبق وعده خدا در قرآن ) بر تمام اديان و آيين‌ها ظهور خواهد يافت .

فهميدن اسلام ، به عنوان يك برنامه الهي پيشرفته ممكن نيست ، مگر با فهم « بعثت » و « غدير » - يعني مجموعه امامت كه به امام مهدي پايان مي‌پذيرد - و « دولت جهاني عدل الهي » . اينها اركان فهم اسلام اند . و اين برنامه بدون امام مهدي عليه السلام ناقص مي‌ماند .

حديث « خروج مردمي از مشرق » با جنبش‌هاي پيشين تطابق نداشته

آيا كار شما ابتكاري بوده ؟

نوشته‌هاي مختلف درباره امام مهدي عليه السلام بسيار بوده ، و ليكن به اين روش و سبكي كه من نوشتم نه .

يعني اين انطباق با معاصر را نداشتند ؟

من به جز در چند مورد معدود تطبيق نكرده‌ام . من احتمال داده‌ام . تطبيق قطعى در اين كتاب خيلى كم است .

به نظر من ، يكي از تطبيقات قطعي ، جنبش ايران است . جنبش ايران ، زمينه‌ساز و متّصل به ظهور امام مهدي است ، اما با چند سال فاصله ؟ پنجاه سال ؟ صد سال ؟ نمي‌دانم و تعيين وقت نمي‌كنم . و ليكن قطعاً حركتي زمينه‌ساز و موعود است ؛ هرچند منحرف شود . اما تمهيدگر و تطبيق قطعي حديثِ

--------------------------- 77 ---------------------------

« مردمي كه از مشرق قيام خواهند كرد » مي‌باشد .

درتاريخ به جز اين ها ، مردمي را سراغ نداريم كه در اين شرايط با شعار امام مهدي قيام كرده باشند .

پس صفويان وسربداران چه ؟ يا نوربخشيان ، يا بابيان و بهائيان ؟

اولاً ، يا آن كه به نام امام مهدي نبوده ، يا جنبش‌هاي محدودي بوده كه نمي‌تواند منطبق با اين حديث باشد . حديث « كأَنّي بِقَومٍ قَدخَرَجوا مِن مَشرِق » ، از تغييري بزرگ در اين منطقه سخن مي‌گويد . پيامبر فرموده كه اين قوم ، اين مردم ، حق را طلب مي‌كنند و به آنها داده نمي‌شود ، دومرتبه حق را طلب مي‌كنند و به آنها داده نمي‌شود و . . . ، كجا صفويان و سربداران و نوربخشيان در دو مرحله در طلب حق بوده اند ؟ درثاني ، در هنگام پيدايش آن ها ، يهوديان دولت و قدرت نداشته‌اند [ چنان كه در احاديث نشانه‌هاي ظهور آمده است ] .

اما اين هم تنها يك احتمال و امكان است .

از نظر من قطعي است . ولي به هر حال ، [ حتي اگر احتمال باشد ] اميد داشتن به آن ضرري ندارد .

عمل بر اساس حدس و گمان ، تعطيل كردن شريعت است

اما مگر نگفتيد كه با احتمال نمي‌شود زندگي كنيم ، امورمان را بر ظن و گمان نبايد بنا كنيم ؟

اين كه ما امور و اعتقاداتمان را بر احتمال بنا كنيم ، تفاوت بسياري دارد با آن كه اميدوارانه زندگي كنيم ولي بر اساس واقعيت رفتار كنيم . ما اميدواريم ولي واقع گرا . عملكردمان بر پايه حدس و گمان نيست . ميان اين دو ، تفاوت بسياري است .

--------------------------- 78 ---------------------------

مي‌شود درباره اين تفاوت بيشتر توضيح دهيد ؟

چه اشكالي دارد كه من معتقد باشم انقلاب ايران ، همان انقلاب موعود زمينه‌ساز است ، ولي طوري رفتار كنم كه گويا جنبشي طبيعي و عادي است و با صرف نظر از زمينه‌ساز بودنش برخورد كنم ؟ اين نه از نظر منطقي مشكلي دارد ، نه از نظر سياسي .

خطر و ضررش وقتي پيش مي‌آيد كه يك مقام مسئول ، بخواهد با هوس و دروغ ، اين باور را به كار ببرد .

مثلاًجناب آقاى . . . كه در ايران براي امام مهدي نقشه راه مي‌كشد و وسط بيابان پادگان مي‌سازد . يا ويژگي‌هايي غيبي به خود نسبت مي‌دهد و مي‌گويد هنگامي كه در سازمان ملل متحد صحبت مي‌كرده است ، همه شنوندگان محو او شده اند ، به طوري كه حتي پلك نمي‌زده‌اند ! يا يكي ديگر ، كه به خود نسبتِ ارتباط با امام را مي‌دهد و مي‌گويد جلويش براي امام جا نماز بيندازند تا او پشت سر امام نماز بخواند ! همه اينها يا وهم و خيال است ، يا دروغ . من خود ديدم كه در تالار سازمان ملل ، مردم مي‌آمدند و مي‌رفتند و صحبت مي‌كردند .

چنين مسئولي ، مي‌خواهد چيزي را كه ندارد ، يعني بُعدي غيبي را به شخصيت خود بدهد . او حتي اگر بتواند افكار و برنامه‌هاي خود را مطرح كند ، اما براي كشور و اعتقادات مردم كشورش ، خطري محسوب مي‌شود .

عملكرد سياسي و اجتماعي ، بايد بر پايه مؤلفه‌هاي طبيعي و مادّي باشد

خواهش مي‌كنم به يك قاعده بنيادين توجه كنيد . اين جاست كه سخن اميرالمؤمنين عليه السلام را درمي‌يابيم : « إعمَل لِدُنياكَ كَأنّكَ تَعيشُ أبَداً وَاعمَل لِآخِرَتِكَ كَأنّكَ تَموتُ غَدَا » ، « براي دنيايت ، طوري عمل كن كه گويي قرار است تا ابد زندگي كني ، ولي براي آخرتت طوري عمل كن كه گويي فردا خواهي مُرد . »

--------------------------- 79 ---------------------------

پس ما واقع‌گراييم و بر اساس واقعيت عمل مي‌كنيم . پس اگر - به عنوان مثال - كسي گفت « بياييد وسط بيابان براي امام پادگان بسازيم » ، به او مي‌گوييم « چه كسي گفته ؟ آيا امام اين مسئوليت را به تو داده ؟ » اگر گفت « بله » مي‌گوييم ؟ « دليلت كو ؟ » مي‌بينيم كه دليلي ندارد ، پس مي‌گوييم « عمل خود را بر پايه احتمال بنا نكن . »

يعني زندگي هر روزه خود را برنامه‌ريزي‌هاي دنيايي ومادي پيش ببريم ؟

بله . صحيح است ، درستش اين است . با عوامل و مؤلفه‌هاي طبيعي و حساب‌هاي مادي . شرع همين است . شريعت همين را مي‌گويد . در غير اين صورت ، شرع را تعطيل كرده‌ايم و شريعت جديدي بنا كرده‌ايم ، و انحراف از همين جا آغاز مي‌شود .

از سال‌ها پيش از رخ دادن انقلاب ، در فكر مطالب اين كتاب بودم

رويكرد شما در كتاب عصر ظهور ، اين سؤال را ايجاد مي‌كند كه آيا رخدادها و بشارت‌هايي كه در دوران انقلاب اتفاق مي‌افتاده ، در تأليف اين كتاب اثر داشته است ؟

نه . نه . مؤثر نبوده . انقلاب ايران ، فكر تأليف اين كتاب را ايجاد نكرد .

يعني مي‌فرماييد كه شما سال‌ها پيش از اين كه حرفي از انقلاب ايران باشد ، از سيزده چهارده سالگي ، يعني حدود سال 60 ميلادي ، در اين انديشه بوده‌ايد .

بله . همين طور است . ما درباره مقدّمات و حوادث زمينه‌ساز حركت امام صحبت مي‌كرديم . پيش از انقلاب ، درباره احاديث مردمي كه در مشرق قيام خواهند كرد ، حرف مي‌زديم . به اين احاديث ايمان داشتيم و هنگامي كه انقلاب

--------------------------- 80 ---------------------------

ايران روي داد ، گفتيم خدا را شكر ، اين مقدمه و تمهيد ، همان است .

حديث « رايات السود » و اين كه ياران مهدي موعود ، از منطقه خراسان و داراي پرچم هايي سياه هستند ، آن قدر در ميان سنّيان جدّي بود ، كه وهابيان مردي را به افغانستان فرستاده و سپس او را به عربستان آوردند و گفتند اين مهدي است كه از مشرق آمده و ياران مهدي - كه بايد پرچم هايي سياه داشته باشند - طالبان اند .

عصر ظهور در چه سالي تأليف شده ؟

سال 1405 هجري قمري . ايّام جنگ تحميلي .

يعني زمان تأليف كتاب بعد از انقلاب بوده . پس ظاهراً انقلاب در تأليف آن تأثير داشته .

از اين نظر تأثير داشته كه ديدم زمان مناسبي است براي بيان آن بينش علمي اي كه از قبل داشتم .

ولى يكي از اهداف من اين بود كه ايرانيان را متوجه قدر و قيمت اين انقلاب نمايم .

مگر نفرموديد كه ايرانيان خودشان انقلاب خود را به امام مهدي نسبت مي‌دادند ؟

همين طور است ، احاديث مربوط به نقش ايرانيان در دوران ظهور ، قبل از انقلاب هم در خود ايران معروف بود . . در كتاب‌ها و سخنراني‌هاي انقلابي ، به اينها اشاره مي‌شد و اين انديشه براي مردم آشنا بود ، خيلي‌ها به آن اعتقاد داشتند .

از اين گذشته ، [ اهميت قيام ايرانيان در آينده جهان اسلام ] در كشورهاي شيعه و سني ديگر هم مطرح بود . تا جايي كه در خارج از ايران و خاورميانه ، در تونس [ شمال غرب آفريقا ] ، همان اوايل پيروزي انقلاب ، روزنامه « الصباح » تيتر بزرگي با اين عنوان زد كه « النّبي صلي الله عليه وآله يُرَشِّحِ الفُرسَ لِقيادةِ الامةِ الاسلامية » ،

--------------------------- 81 ---------------------------

« پيامبر صلي الله عليه وآله ، ايرانيان را براي رهبري امّت اسلامي ، نامزد مي‌كند » و با اشاره به حديث « اگر علم در ثريا بود ، ايرانيان به آن دست مي‌يافتند » ، پيش‌بيني كرد كه ايران در آينده ، پيشواي جهان اسلام باشد .

پس انديشه فراهم كردن مقدمات ظهور امام مهدي عليه السلام در ميان ايرانيان رواج داشته ، و سال‌ها پيش از تأليف اين كتاب مطرح بوده است .

بله ، البته . خيلي مطرح بود . سران انقلاب ، بسياري از علما و مردم ، درباره آن صحبت مي‌كردند . در فضاي حوزه‌هاي علميه ، هم در ايران ، هم در ميان متديّنان شيعه در كشورهاي ديگر ، اين مسئله مطرح بود .

پس بازگويي اين بُعد انقلاب براي ايرانيان چه سودي داشت ؟

گاهي فردي در كار مشاركت دارد ، كه متوجّه اهميت كار نيست . مثلاً در انقلاب شركت مي‌كند ، ولي انگيزه‌اش اقتصادي محض است ، اصلا كاري به دين و خدا و پيغمبر و اين كارها ندارد . من به او مي‌گويم : اي كسي كه با محرّك اقتصادي محض كار مي‌كني ، آگاه باش كه اين كار تو ، يك بُعد ديگر هم دارد . من درباره فعاليت تو ، اطلاعاتي به تو مي‌دهم كه تو از آن آگاه نيستي .

جنگ با دشمنان خارجي ؟ نوبت ايران نمي‌شود

اين را هم بفرماييد كه منظور شما از اين كه انقلاب ايران به ظهور امام مهدي عليه السلام « متصل » خواهد بود و به ظهور مي‌پيوندد ، چيست ؟

احاديثي كه درباره « قيام اهل مشرق و پرچم‌هاي سياه » وارد شده ، مورد اتفاق شيعه و سني است و قطعي مي‌باشد . ( 1 ) در خود اين احاديث ، مراحل اين قيام هم بيان شده كه از اين قرار است :

< هامش >

( 1 ) . ر . ك : فرهنگ موضوعى احاديث امام مهدى عج ، ص 681 تا 684

< / هامش >

--------------------------- 82 ---------------------------

مرحله اول : اهل مشرق عليه حكومتي ظالم قيام مي‌كنند . مرحله دوم : مخالفان با آنان دشمني مي‌كنند ، ولي اهل مشرق دربرابر دشمنان مي‌آيستند و تقاضاي به رسميت شناختن حقوق خود را دارند ( يَطلِبونَ الحقَّ فلايُعطَونَه ) . سوم : جريان جديدي از دشمني مخالفان صورت مي‌گيرد ، ولي اهل مشرق دومرتبه حقوق خود را مطالبه كرده و مي‌خواهند حقوقشان به رسميت شناخته شود ( ثُمَّ يَطلِبونَ الحقًّ فلايُعطَونَهُ ) .

چهارم : سپس اهل مشرق سلاح خود را به دوش مي‌گيرند ( يَضَعُونَ اَسلِحَتَهُم عَلي عَوَاتِقِهِم ) ، يعني اعلام آمادگي براي جنگ مي‌كنند . در اين مرحله ، دشمنان حق آن ها را به صورت مشروط به آنان مي‌دهند . پنجم : امّا آنان شرط آنها را نپذيرفته و به كار خود ادامه مي‌دهند ؛ تا آن كه سرانجام براي ياري امام مهدي عليه السلام قيام مي‌كنند و پرچم كشور خود را فقط به امام عليه السلام مي‌دهند ( ولا يَدفَعونَها الّا اِلي صاحِبِكم ) .

يعني مي‌فرماييد كه ايرانيان از عهده دشمنان خارجي برمي‌آيند و مي‌توانند مقابل آنها بايستند ؟

بله ، حتماً . ديگر هيچ تهاجم و حمله‌اي به ايران نمي‌شود . من اين را وقتي مي‌گفتم كه بعضي از مسئولان از احتمال حمله به ايران مي‌ترسيدند ؛ حمله امريكا يا اسرائيل . اين حديث يعني ايران از حمله خارجي در امان است . از ده سال قبل ، از 2003 مي‌گفتند بعد از عراق ، نوبت ايران است ، ولي من مطمئنم كه هرگز نوبت ايران نمي‌شود .

تا كنون خدا ايران را از تهاجم حفظ كرده . خدا قدرتي به ايران داده كه اسلحه‌اش تا قلب تل آويو مي‌رسد . موشك ايراني از غزّه به قلب تل آويو خورد ، هواپيماي ايراني به تل آويو رسيد و در آسمان تل آويو بيانيه پخش كرد و رادار

--------------------------- 83 ---------------------------

اسرائيل آن را شناسايي نكرد . در آن هنگام بود كه امريكا به اسرائيل گفت : « حمله به ايران اشتباه است . ايران قدرت بزرگي است و بهتر است مشكلمان با ايران را با مذاكره حل كنيم » .

مقام معظم رهبري ، در فكر تسليح ايران است و پيشرفت نظامي ايران را پيگيري و مديريت مي‌كند . من مطمئنم كه او با اين تفكر نظامي‌آي كه دارد ، خدا او را براي حفظ ايران در برابر دشمنان مهيا كرده است ، و در تاريخ ثبت خواهد شد كه يك روحاني سيد ، جايگاه ايران را در معادلات جهاني ، چنين ارتقا داد !

ويرايش آينده كتاب عصر ظهور : روايات غيرقطعي را حذف مي‌كنم

اگر شما بخواهيد كتاب عصر ظهور را دوباره بنويسيد ، چه مي‌كنيد ؟ آيا همانطور مي‌نويسيد ؟

الآن اگر بخواهم بنويسم ، اول توصيفات و عناصر قطعي در توصيف عصر ظهور حضرت را مي‌نويسم ، يعني فقط عناصر قطعي مورد اتّفاق ( المتفق عليها ) را ، با دلايل علمي مي‌نويسم . سپس نشان مي‌دهم كه مورد اتفاق است كه آغاز تغييرات پيش از ظهور ، آغاز حركت ظهور ، از ايران است . پس از آن وارد بقيه موضوعات مي‌شوم . نتيجه فرقي نمي‌كند ، ولي راهش فرق مي‌كند .

الآن بعضي‌ها كه نمي‌فهمند يا اشكال مي‌گيرند ، از اين راه وارد مي‌شوند . با اين كار ، سوءاستفاده از اين كتاب كم مي‌شود . من نوشته‌ام عصر ظهور و توصيف عصر ظهور را بر اساس احاديث آورده‌ام ، نگفته‌ام اين عصري كه ما در آن هستيم ، عصر ظهور است .

بله ، جايي گفته نشده ، ولي اين مطلب از كتاب احساس مي‌شود .

احساس بشود . ضرر ندارد . من مي‌دانم . وقتي اين كتاب را نوشتم و اسم آن را

--------------------------- 84 ---------------------------

عصر الظهور گذاشتم ، مي‌دانستم كه اين مطلب از آن احساس مي‌شود . ولي الآن اگر بخواهم بنويسم ، اولين فصل را مي‌گذارم « صفاتُ عصرُ الظهور » ، ويژگي‌هاي قطعي متفق عليها .

يعني اگر بخواهيد بنويسيد ، قطعي و غيرقطعي را مشخص مي‌كنيد .

بله . و روايات احتمالي را نمي‌آورم .

آن وقت چه فرقي مي‌كند ؟

خيلي فرق مي‌كند . رواياتي را كه احتمالي است ، روايات غيرقطعي را كلاً حذف مي‌كنم تا از آن سوءاستفاده نكنند . مثلا من نوشتم كه يك روايتي هست كه مي‌گويد سفياني وارد اهواز مي‌شود . اوه ! هياهو كردند كه سفياني مي‌آيد و ايران را مي‌گيرد ، سفياني عراق را مي‌گيرد ، سفياني ، سفياني . . . خب اصلا اين را حذف مي‌كنم . چون اين روايت اصلا از پيامبر و اهل بيت عليهم السلام نيست ، و من هم به اين روايت اعتقاد ندارم . خب چرا احتمالش را بدهم ؟ پس آن را طوري مي‌نويسم كه اگر كسي « شيخُ المُشكلين » [ = ختمِ اشكال‌گيران ! ] هم بود ، نتواند اشكالي بگيرد !

[ و مي‌گويم ] خب اين صفاتِ قطعي عصر ظهور است ، اولين تغييراتي كه در نهايت به ظهور مي‌رسد ، اين است . و احتمال بالايي هست كه مطابق با عصر ما باشد . قطعي نمي‌گويم . احتمال بالا يعني مثلا نود در صد .

منظورتان از « عصر ما » چيست ؟ اين بيست سي سال ؟ يا مثلاً قرن ما ؟

حتي اگر بگوييد قرن ما . نمي‌توان تعيين كرد . مهم اين است كه تغييرات ايران ، آغازگر و اولين زمينه‌ساز براي ظهور است . اين از احاديث متفق عليه مي‌آيد .

\* \* \*

--------------------------- 85 ---------------------------

راه كاهش آسيب‌هاي مرتبط با مهدويت

در ايران ، راه حل چيست ؟

يك : تقويت علمي تبليغات مهدوي

به نظر شما ، ايران به عنوان داعيه دار تشيع ، چه جوانبي از مهدويت را - كه يكي از پايه‌هاي اصلي تشيع است - بايد ترويج كند و از چه مواردي دوري كند ؟ يعني موضع ايران درباره مهدويت چه بايد باشد ؟

من معتقدم كه بايد تقويت شده و عقلاني شود . يعني تعميق بشود . بايد اين اعتقاد را از نظر علمي فربه كرد و در جهان منتشر نمود . مهدويت ، قضيه مهمي در باورهاي شيعه است .

ما تز كاملي داريم كه مي‌توانيم آن را با طرحي كامل به جهان اسلام ارائه دهيم . اين بسيار مهم است .

در عين حال ، نقاط ضعفي وجود دارد كه به اين باور آسيب مي‌رساند ؛ اينها را بايد تا جاي ممكن كم كرد . مهم‌ترين آسيب ، عرفان كاذب است ، وغلو در مورد اشخاص ، مي‌توانند زمينه را براي ادعاي مهدويت فراهم كنند .

--------------------------- 86 ---------------------------

دو : جلوگيري از مصادره مقامات معصوم به نفع اشخاص با مرزبندي فقهي

يعني مي‌فرماييد با عرفان مبارزه شود ؟

نه ، نه . من مبارزه با اصل عرفان را نمي‌گويم ، فقط با عرفاني كه مقاماتي كاذب به اشخاص مي‌دهد ، مقامات معصومان عليه السلام را مي‌دزدد و به انساني جايزالخطا مي‌دهد . اينها « مقامات معصومان » را به نفع اشخاص مصادره مي‌كنند . بايد براي ستايش اشخاص ، حد و مرزي تعيين شود . ميان بزرگان و پيشروان عرفان و سلوك و تصوف ، و ميان پيامبر و امامان معصوم عليه السلام تفاوت بزرگي وجود دارد ، اما اين تفاوت در ذهن بسياري از ايرانيان روشن نيست .

اين تفاوت در چيست ؟ شما بفرماييد .

پيامبر و امام ، اساساً مقوله ديگري هستند . آنها قله‌هايي آسماني هستند ، و اينها قلّه‌هايي روي زمينند . آنها معصومند ، يعني مصون از گناه و كار نادرست . ولي اينها نيستند .

اين از نظر تئوري است ، در عمل چگونه بايد تفاوت قائل شد ؟ يعني اگر بخواهيم ريزتر و عيني‌تر بگوييم چه ؟ اين تفاوت‌ها چگونه معلوم مي‌شود ؟ كجاها ؟ در چه ادّعايي ؟ در چه حرفي ؟

ادعا زياد است . ادعاي « رسيدن به مقامات بالا » . يك جا سخن از روزهاي جنگ بود . شنيدم مرحوم سيد احمد خميني - گرچه به شوخي - مي‌گفت : « شايد آقا از ولايت تكويني استفاده كند » .

من گفتم : « يعني چه ؟ يعني امام خميني ، ولايت تكويني دارد » حتي به شوخي . اين مسئله بزرگي است كه شوخي بردار نيست . حد و مرز معصوم و غيرمعصوم

--------------------------- 87 ---------------------------

بايد مراعات شود . امور زيادي از اين دست در ايران هست كه بايد درست شود .

مثلاً ؟

نمي‌خواهم زياد وارد اين موضوع شوم . چاره‌اي نيست جز اين كه مراجع بزرگ در اين باره به بحث فقهي بپردازند . آن هم دور از تأثيرات ديگران . و نتيجه نهايي را اعلام كنند . مثلاً اصطلاحات و اعمالي كه نزد شيعيان ، فقط براي معصوم عليه السلام به كار مي‌رود ، آيا به كار بردن اينها براي ديگران هم صحيح است ؟ مثلا القاب و عناوين ، عبارت « عليه السلام » ، آيين زيارت ، گنبد و بارگاه ، حق امام ، مراسم خاص و الي آخر .

ديگر چه ؟

حدود 20 مورد هست كه از معصوم اخذ شده و براي غيرمعصوم به كار مي‌رود .

مثلاً خود مسئله « عصمت » و جنبه نظري و عملي آن . اين كه « مگر مي‌شود فلاني خطا بكند » يعني چه ؟ يا مثلا بايد براي مردم روشن شود ، اين كه به دختر بزرگوار امام موسي بن جعفر عليه السلام مي‌گوييم « فاطمه معصومه » ، [ منظور ، معني اصطلاحي كلمه نيست ، بلكه ] منظور ، پاكي كودكانه و طهارت اوست ، نه عصمتش .

البته كار ساده اي نيست . يك مفهوم مشخصي را كه صفتي ويژه معصوم است ، درباره شخصي به كار مي‌بردند . به يكي از مراجع گفتم [ كه اعتراض كنيد ] . گفت نمي‌شود ، « نمي توانيم در مقابلش بايستيم » .

پس براي كاستن از آسيب‌هاي مربوط به مهدويت در ايران . . . ؟

اولاً ، نقد عرفان و تعيين حد و مرز براي عرفان صحيح و كاذب ، ثانياً تعيين

--------------------------- 88 ---------------------------

حد و مرز براي مصطلحاتِ مقامات اشخاص و فرق ميان معصوم و غير معصوم ، چه در تعبير ، چه در تعامل ، در زيارت ، در قبر در حقوق و . . . اينها بايد در عمل هم پيدا باشد .

\* \* \*

در عراق مشكل از كجاست ؟

سرچشمه ادعاهاي مهدويت در عراق

يك منطقه مهم شيعه‌نشين كه به تازگي آسيب‌هاي مرتبط با مهدويت در آن زياد شده ، عراق است . اين آسيب‌ها گاهي آنقدر قدرتمند است كه به سختي مي‌توان آن را بر طرف كرد . در عراق معاصر چه اتفاقي افتاده كه اين گونه آسيب‌ها همچون قارچ سر برآورده‌اند ؟ چه شده كه با وجود حوزه ريشه‌دار نجف اشرف باز چنين مواردي در عراق پيش مي‌آيد ؟

در واقع ، اصل تمام اينها برمي‌گردد به تدريس سير و سلوك و عرفان توسط مرحوم سيد محمد صدر در حوزه علميه نجف . او و شاگردانش اين درس را « السير و السلوك » مي‌ناميدند . تمام جنبش‌هاي مهدويت در عراق ، از طلبه‌هاي اين درس ناشي شده است . در زمان خود وي هم چند گروه منحرف شكل گرفت و خود وي مقابل آنها ايستاد .

اين [ نمونه تاريخي ] هم مطالبي را كه درباره خطر ظهور عرفان كاذب گفتم ، تأييد مي‌كند .

--------------------------- 89 ---------------------------

تدريس سير و سلوك چه ارتباطي به ظهور مهديان دروغين داشت ؟

زيرا جماعت‌هاي جديدي پيدا شدند : جماعت « السّير و السّلوك » ! جماعت « الذينَ وَصَلوا اِلَي الله » ( به خدا رسيدگان ) ! جماعت كساني كه يار امام زمان شده‌اند ! « جُندُ السّماء » ( سپاه آسمان ) ، « قاضِي السّماء » ( داور آسمان ) !

قاضي السماء ؟ !

بله . قاضيِ آسمان ، كه مي‌گويد خدا او را فرستاده تا ميان حق و مردم داوري كند ! و امثال آن . اصل اينها از عرفان غلط است .

سرچشمه ادعاي كاذب ، عرفان كاذب و غلو در مورد اشخاص است

شما چند ماه پيش ، كتاب « دجال البصره » را نوشتيد و به تندي ، چهره دروغين مدعيان مهدويت و مباحث انحرافي آن را در عراق بر ملا كرديد . دليل نگارش اين كتاب چه بود ؟ آيا سعي داشتيد برخي از مباحث كتاب عصر ظهور را تصحيح يا تكميل كنيد ؟

خير . موضوع هرگز اين نيست . اين تصور كه عصرظهور زيان داشته و بايد زيانش را درمان كنيم ، درست نيست .

عصر ظهور ، يكي از عقلاني‌ترين و واقع‌گراترين كتاب‌هاي راجع به امام مهدي عليه السلام است . به نظر من زيان نداشته . آن چه زيان داشته ، عرفان كاذب و غلو نابه جاست .

يعني بعضي از جنبه‌هاي اين كتاب تأثير منفي نداشت ؟ يا از آن سوءاستفاده نشد ؟

نه اين طور نيست . كسي كه ادعا مي‌كند كه مهدي عليه السلام است يا با مهدي عليه السلام

--------------------------- 90 ---------------------------

در ارتباط است ، از هر چه كه كمكش كند استفاده مي‌كند . از عصر ظهور استفاده مي‌كند ، همان گونه كه از انديشه كلي مهدويت هم استفاده مي‌كند . اما سرچشمه ادعاي كاذب ، عرفان كاذب است .

و اغراض سياسي ؟

و اغراض سياسي . بله .

وهابيان و صهيونيزم از هر انحرافي در اركان جوامع شيعه حمايت مي‌كنند

به نظر شما چه راهي براي عراق وجود دارد ؟ اكنون چه فرقه‌ها و افرادي در مباحث انحرافي عراق نفوذ دارند و چه راه حلي براي عراق وجود دارد ؟

به روشني پيداست و مي‌دانيم كه وهابيان و پادشاهي عربستان سعودي ، جنبش اول - يعني جند السماء - و جنبش دوم - احمد الحسن - را از نظر مالي به طرزي كلان تأمين كرده‌اند ( ر . ك : دجال البصرة ) .

خوب است بدانيد كه وهابيان و يهوديان ، مي‌انديشند كه عموم شيعيان ، وضع مردمي شيعه ، وضع جوامع شيعه ، سه ستون دارد : مرجعيت ، مراسم عزاداري امام حسين عليه السلام ، و اعتقاد به امام مهدي عليه السلام . اين سه ، ستون‌هاي ويژه جامعه شيعيان‌اند .

پس هرجا كه شخصي را پيدا كنند كه سخن شاذّي مي‌گويد ، يا طرحي ارائه مي‌دهد كه شُذوذي يا انحرافي در آن هست ، او را تشويق و تقويت مي‌كنند .

يعني منتظرند هر كس در هركدام از اين سه مسئله ، ساز مخالفي بزند . . .

هر كس از خود شيعه .

--------------------------- 91 ---------------------------

به او پول مي‌دهند و بزرگش مي‌كنند . اما براي چه ؟ تا تفرقه بيفكنند ؟ براي تفرقه ؟

براي تضعيف .

به نظر شما اين از سر دشمني با انقلاب اسلامي نيست ؟ بحث ايران و امريكا نيست ؟

نه ، نه . براي اين است كه شيعيان نباشند .

چطور ؟ چرا ؟

زيرا اسرائيل مي‌انديشد كه دشمن آينده‌اش شيعيان‌اند . چرا ؟ چون آن كسي كه حاضر است تا پاي جان با اسرائيل بجنگد ، كسي است كه در مجالس عزاداري سيدالشهدا عليه السلام پرورش يافته . پس اگر بخواهيم مهد پرورش داوطلبان شهادت را از بين ببريم ، بايد اين ستون‌ها را سُست كنيم . كاري كنيم كه مردم به آن شك كنند .

پس از هر انحرافي در مهدويت ، هر انحرافي در عزاداري امام حسين عليه السلام ، و در مسئله مرجعيت استفاده مي‌كنند و آن را بزرگ مي‌كنند ، تا به اصل آن خلل وارد كنند . كافي است كسي بگويد : « من طرحي براي زير و رو كردنِ مراسم امام حسين عليه السلام دارم . اين چيزهايي كه هست غلط است و من با همه‌اش مخالفم . » آن وقت او را تأييد مي‌كنند و برايش هزينه مي‌كنند و كتابش را چاپ مي‌كنند .

يكي ستاره داود را تقديس مي‌كند و نشان پرچمش مي‌كند ، يكي مي‌گويد نطفه امام علي عليه السلام حفظ شده و من از نطفه او و پسر او هستم ، هر مدعي اي كه مردم را دور خودش جمع كند و تشيع را تضعيف كند .

--------------------------- 92 ---------------------------

درباره مرجعيت چه ؟

همان حرف است . هر طرحي ضدّ مرجعيت ، مخرّب مرجعيت را تأييد و حمايت مي‌كنند . هر فرد ناشايستي را كه مرجعيت خود را مطرح كند و خود را مرجع اعلام كند ، تأييدش مي‌كنند .

نقش امريكا ، حمايت از اسرائيل است

به نظر شما امريكا در اين جا چه‌كاره است ؟ نقش امريكا چيست ؟

از برخي از نظرات اسرائيل حمايت مي‌كند . متهم اصلي و مستقيم در اين مسائل ، اسرائيل و وهابيت است . امريكا و غرب متهم‌هاي غيرمستقيم‌اند .

پس شما اصل مشكل را از اختلاف سياسي ايران و امريكا نمي‌دانيد ، و از اختلاف شيعه و وهابي مي‌دانيد ؟

اختلاف شيعه و يهودي . هم يهود خارج ( كه اسرائيل است ) ، هم يهود داخل ، يعني وهابيت .

پس راه حل جلوگيري از اين سوءاستفاده‌ها در عراق به دست كيست ؟

دولت عراق بايد سخت بگيرد . هم دولت ، هم مراجع ، مسئوليت همه است كه جلوي اينها را بگيرند .

توصيه به كساني كه دوست دارند كاري درباره امام مهدي عليه السلام انجام دهند

سوال آخر را از خدمتتان مي‌پرسم . به كساني كه دوست دارند علاقه خود به امام زمان را به طريقي نشان دهند ، چه پيشنهادي داريد ؟

خيلي كارها هست . بستگي دارد در كدام زمينه بخواهند كار كنند . اگر كسي

--------------------------- 93 ---------------------------

مي‌خواهد كار تحليلي و فلسفي كند . نظام جامعه بشري از نظر ديني و الهي بررسي كند . انسان و خير و شر و اين كه خدا [ فرصت و ] اجازه ظلم و فساد به ظالمان مي‌دهد ولي بعد جلوي ظالمان را مي‌گيرد و دولت عدل الهي درست مي‌كند . تحليل اين برنامه و نظام .

اگر كسي بخواهد فيلم بسازد ، مي‌گويم درباره حضرت خضر عليه السلام فيلم بساز .

براي تقريب ذهن به امام مهدي عليه السلام ؟

بله . اگر كسي مي‌خواهد شعر بگويد ، مي‌گويم از نسل اندر نسل مظلوميت‌هاي تاريخي را بگويد و اميدي كه هست كه امام با دولت عدل الهي به آنها پايان دهد و انتقام آن را بگيرد .

اگر كسي برايش مهم است كه شخصيت معصوم را بفهمد ، امام زمان را با بقيه‌ي انبيا و امامان مقايسه كند و بنويسد . كارهاي زيادي هست [ كه مي‌شود كرد ] .

توصيه ديگري نداريد ؟

عقلاني و منطقي بودن و ايمان با توجه به قرآن و احاديث اهل بيت عليه السلام . ايمان مي‌خواهد تا انسان قضيه امام مهدي را درك كند . ايمان مي‌خواهد . كسي كه به خدا و پيغمبر و اهل بيت ايمان ندارد ، سخت است كه بفهمد امام مهدي چه هست . يقين مي‌خواهد تا راحت بفهمد . . .

--------------------------- 94 ---------------------------

فهرست

--------------------------- 95 ---------------------------

فهرست

--------------------------- 96 ---------------------------

على كورانى در وِب

نشانى سايت على كورانى عاملى : www . alameli . net

--------------------------- الغلاف 2 ---------------------------

السلام عليك يا صاحب الزمان عجل الله تعالى فرجه الشريف

ناشر : نور على نور

مركز پخش : قم - خيابان مصلاى قدس - پلاك 682

تلفن : 32939141 025 / 32926175 025

شابك 9789648016284